

# زیباترین ستاره

علی رشیدی کهلان

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لِي كَالْحُجَّةِ بِنَا حَسَنٍ صَلِّوا عَلَيَّ وَعَلَى آبَائِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُنَّ أَرْضَ كَطُوعًا وَتُمَتِّعَهُنَّ فِيهَا طَوِيلًا .

## تقدیم به:

چهارده ستاره درخشان هدایت، اولین آن‌ها پیامبر نور و  
رحمت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و آخرین آن‌ها زیباترین ستاره عالم  
هستی، حضرت امام مهدی<sup>(عج)</sup>.

## زیباترین ستاره

۱. ((... وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ، كَأَنَّهُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ...))

و حجت قائم<sup>(عج)</sup> را که ستاره ای درخشان میان آنان  
بود...

(حدیث معراج، مکیال المکارم، ص ۱۳۸)

فهرست

مقدمه

پیشگفتار

چکیده

بخش اول : فواید وجود مبارک امام زمان (عج)

حدیث معراج

فواید وجود مقدّس امام زمان (ع) در دوران غیبت

خورشید پنهان

جان جهان

نگهبانی از آئین خداوند، هدایت های باطنی

نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی

ایمنی بخش از بلاها

ایجاد پروای الهی در پرتوی باور وجود امام زنده در جامعه

یاری برخی نیازمندان

دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان

تصویب امور سال در شب های قدر

نتیجه مباحثه و وجود مقدس امام زمان (ع)

امام شناسی در زیارت جامعیه کبیره

آیت الله خوشوقت چه زیبا بیان می کند

توقیع شریف حضرت ولی عصر (عج) به شیخ مفید

سخن خواجه نصیر درباره امام زمان (عج)

فرمان قرآن کریم درباره رابطه با امام زمان (عج)

گامهای عملی ما در ارتباط با امام زمان (ع)

توسّل آیتالله نائینی<sup>(ه)</sup> به حضرت ولیّ عصر<sup>(عج)</sup>

نظارت بر جامعه‌ی شیعه

عنایت امام زمان<sup>(ع)</sup> به سیّد عبدالکریم کفّاش

رمز ملاقات سید عبدالکریم کفّاش با آقا

**بخش دوم: وظایف منتظران در عصر غیبت**

چگونه توجه امام زمان<sup>(عج)</sup> را به خود جلب کنیم؟

اولین و مهمّترین وظیفه‌ی ما نسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup>

وظیفه‌ی دوم ما نسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup>

وظیفه‌ی سوّم ما نسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup>

فواید دعا برای ظهور امام زمان<sup>(عج)</sup>

داستان غمانگیز در مورد امام زمان<sup>(عج)</sup>

وظیفه‌ی چهارم ما نسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup>

وظیفه‌ی پنجم ما نسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup>

وظیفه‌ی ششم ما نسبت به امام زمان (عج)

این مرد، ادواردو آنیلی

بخشی از کتاب ادواردو

وظیفه‌ی هفتم ما نسبت به امام زمان (عج)

وظیفه‌ی هشتم ما نسبت به امام زمان (عج)

وظیفه‌ی نهم ما نسبت به امام زمان (عج)

فضیلت انتظار

وظیفه‌ی دهم ما نسبت به امام زمان (عج)

روی جانان طلبی، آئینه را قابل ساز

چرا ما امام زمان (عج) را نمی‌بینیم؟

آمادگی برای ظهور

نتیجه‌گیری بخش دوم



بخش سوم : نمونه‌های از عنایات امام زمان <sup>(عج)</sup> به متوسلین

تشرّف آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به محضر امام زمان <sup>(عج)</sup>

علامه حلّی و بوسه بر خاک پای امام زمان <sup>(عج)</sup>

انصاف و فتح باب ملاقات

من خودم به دیدار شما می آیم...

امام زمان <sup>(عج)</sup> در کنار بانوی با عفت

تشرّف آیت الله نخودکی اصفهانی به محضر امام زمان <sup>(عج)</sup>

اجابت فوری دعا

پاداش خدمت به زائر

کرامتی از امام زمان <sup>(عج)</sup>

بیست سفر حج برای دیدار

داستان شنیدنی مقام صاحب الزمان (عج) در حله

تعهد با امام زمان (عج)

ماجرای عجیب قاسم بن علاء و نامه امام زمان (عج)

دلداری امام عصر (عج) به یکی از دوستان

چه کنیم ارتباطمان با امام زمان بیشتر شود؟

راهکار نزدیک شدن و ارتباط با امام زمان (عج) چیست؟

شنیدن حاجات ما توسط امام زمان (عج)

ویژگی های گل

سوالات مهدویت

منابع

مقدمه امام جمعه محترم بناب استاد گرانقدر حجت  
الاسلام والمسلمین حاج شیخ مصطفی باقری بنابی  
دامت افاضاته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
حضرت فخر المصطفیٰ رَحْمَةً رَبِّهِ بِسُنَّتِ خُودِ الرَّبِّ الْبَاقِرِ طاب  
عِزُّهُ اَرْجُوهُ ضَابِحٌ حَمْدِ الْاِسْلَامِ كَرَّمَ شَيْخِ عَلِيِّ رَشِيدِي  
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعْدِيَةً مُؤَدَّةً وَبِهِ خِلَافِي اَيْنَ مَرْدِ كَرِيمِ  
غَبِيْطَةٌ مَغْنُومِمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ  
۱۴۰۲، ۵، ۲۲  
امام جمعه بنابی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
الحمد لله رب العالمین و صَلَّى اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّجَلَّ فَرحمهم

## پیشگفتار

یکی از مهمترین ویژگی‌های مکتب تشیع، اعتقاد به امام مهدی (عج) به عنوان آخرین حجت خداوند، واسطه فیض الهیونجات بخش موعود است بر اساس این اعتقاد حضرت مهدی (عج) زنده و شاهد و ناظر اعمال همه جهانیان و فریادرس درماندگان است.

چه زیبا است که هر روز صبح اول وقت زندگی‌مان را با سلام و عرض ارادت به محضر نورانی قطب عالم امکان، نگین آفرینش حضرت صاحب الزمان (عج) آغاز کنیم.

آرامش دل راحت جان روح و روانی من هرچه بگویم به خدا بهتر از آنی تمام ذرات عالم بر مدار محبت و عشق و رحمت می‌گردد. اساس کار پیامبران و ائمه اطهار (ع) نیز بر محبت و رحمت و معرفت

است خصوصاً محبت اهل بیت علیهم‌السلام کیمیا است. جای تردید نیست که محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه آخرین حجت الهی، دردوران غیبت کاری بس مهم و ارزشمند است، نوشتار که پیش روی شماست با نام ((زیباترین ستاره)) درباره‌ی امام زمان (عج) است.

و علت نامگذاری این کتاب به این نام برگرفته از چند حدیث می باشد که عبارتند از:

۱. رسول اکرم (ص) فرمودند:

«الْمُهْدِيَرُ جُلْمٌ يُؤَدِّي وَجْهَهُ كَالْكُوكِبِ الدَّرِيِّ، كَأَنَّهَا كُوكِبٌ دَرِيٌّ...»<sup>۱</sup>

مهدی مردیست از نسل و خاندان من، صورتش مانند ستاره درخشان است...<sup>۲</sup>

و در حدیث دیگر «الْمُهْدِيَطَاؤُ سَاهِلًا لَجَنَّةٍ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِيِّ، عَلَيْهِ جَلَالُ بَيْتِ النَّوْرِ.»<sup>۱</sup>

---

۱- بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۰.

حضرت مهدی (عج) طاوس اهل بهشت است، چهره اش مانند ماه، درخشنده است. بر بدن مبارکش جامه هاست از نور. (جامه های قدسیه و خلعت های نورانیه ی ربانیه است).

۲. در حدیث معراج که رسول خدا (ص):

« ... وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ، كَأَنَّهَا لَكَوْ كَبَّالُ الدَّرِيِّ ... »<sup>۲</sup>

و حجت قائم (عج) را که مانند ستاره‌ای درخشان میان آنان بود.

۳- فرمایش خود حضرت که فرمود:

«قَالَ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَأَيُّهَا مَا نِلَّاهُ لَا زُرْ كَمَا أَنَا لُجُومًا نِلَّاهُ لَا سَمَاءَ»<sup>۳</sup>

امام مهدی (عج) فرمود: من برای اهل زمین امانم چنان که ستارگان به اهل آسمان امانند.

---

۱- منتهی الامال، ج ۲، ص ۶۱۴.

۲- مکیال المکارم، ص ۱۳۸.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۹۲.

در رابطه با امام عصر<sup>(عج)</sup> کتابهای فراوانی تاکنون نوشته شده  
است، چرا در رابطه با امام زمان این کتاب را نوشته ام؟ حال آنکه  
دیگران بهتر نوشته اند و باز می نویسند!

دید مجنون را یکی صحرا نورد

کاندرون بادیه بنشسته فرد

صفحهای از خاک انگشتان قلم

نام لیلی مینوشتی دم به دم

گفت کای مجنون شیدا چیست این؟

این که نامش مینویسی کسیت این؟

گفت نام مشق لیلی میکنم

خاطر خود را تسلی میکنم

چون میسر نیست بر من کام او

عشق بازی می کنم با نام او



تو خودت حدیث مفصل بخوان از این مجمل

کتاب حاضر در سه بخش تقدیم علاقه‌مندان میگردد:

بخش اوّل: فواید وجود مقدّس امام زمان (عج)

بخش دوّم: وظایف ما نسبت به آن حضرت.

بخش سوم: نمونه‌های از عنایات امام عصر (عج) به متوسلین می -

باشد، هدف ما این است که با ذکر فضائل ولّینعمت‌مان هم بیشتر

به اهمیّت وجود نفیس و با عظمت آن بزرگوار که قطب عالم

امکان است بیشتر آشنا شویم و هم در وظایفمان نسبت به

حضرت ولّی‌عصر (عج) دقّت نماییم و او را در زندگی بیشتر یاد کنیم

و سعی کنیم به گونه‌های زندگی نماییم که مورد پسند مولایمان

واقع شده باشد انشاءالله.

تلاش برای زمین‌هسازی ظهور حضرت حجت (عج) مطلقاً امر مبارکی

است در مورد عنایت‌امام عصر (عج) میشود، چنانکه آیت الله ناصریه

آقای شفیعی سروسنانی فرموده بود: به کسانی که در حوزه

مهدویت کار میکنند بگویند آقا امام زمان (عج) به ریاکارهایشان

هم صلہ و ہدیہ میدہد، اما آنہایی کہ با خلوص نیت در این زمینہ کار میکنند آنہا حسابشانجداست و پاداش بزرگی دارند.

زمینہ ظہور حضرت مہدی<sup>(عج)</sup> را فراہم کردن یعنی اثر بخش کردن و بہ ثمر رسیدن کار و زحمات صدو بیست و چہار ہزار پیامبر و تحقق آرزوی تمام انبیاء و اولیای الہی است.

خداوند متعال را شاکر و سپاس گزارم کہ بہ بندہ توفیق داد با نوشتن این کتاب کوچک قدم کوچکی در رابطہ با مہدویت برداشته ام.

امیدوارم کہ مورد قبول امام عصر<sup>(عج)</sup> واقع گردد.

مہدی جان:

ای گل زهرا

ای عصاره ی همه انبیاء و اولیاء

ای فخر کائنات

این قطره ناچیز را از بنده حقیر و عاصی قبول بفرما.

علی رشیدی کهلان، مراغه

فروردین ۱۴۰۲

چکیده:

السلام علیک یا صاحب الزمانالسلام علیک یا ربیع الانام

سلام بر تو ای بهار دل ها

امام عصر<sup>(عج)</sup> خورشید عالم تابی است که با درخشش خود عالم را  
روشنی میبخشد. وجود نازنین ایشان منتهی است بر جهان و  
جهانیان که پیروی از ایشان بر همگان واجب و لازم است. ایشان  
با آنکه از دیدگان پنهانند ولی همیشه و در هر زمان طنین انداز  
رحمت الهی بوده و بر اعلام اعمال و رفتار حکومت حاکمان و  
اوضاع و احوال شیعیان نظارت داشته و از خوشی آن را خشنود، و  
از رنج و سختی و حتی غفلت آنان اندوهگین می شود از این رو  
بر مسلمین بالاخص شیعیان لازم است که در راستای ظهور  
ایشان و وظایف خویش را باز شناسند و با انجام به وظایف  
خویش و ترک معاصی و گناهان در جهت تعجیل در ظهور  
ایشان و همچنین آماده سازی زمینه ظهور گامی موثر بردارند.  
از جمله این وظایف، رعایت ادب و درک حضور حضرت است، یعنی  
این که در محضر حضرت هستیم در حضور او گناه نکنیم،  
همچنین احترام سادات و فرزندان رسول خدا<sup>(سلام الله علیهم اجمعین)</sup>  
و منسوبین به ایشان را رعایت کنیم و برای تعجیل در ظهور  
ایشان دعا کرد و بسیار بر ایشان و به آباء طاهر ایشان سلام و

درود بفرستیم که نه تنها موجب افزایش رحمت الهی می گردد بلکه نقش بسزایی در جلوگیری از گناه و همچنین گره گشایی و رفع مشکلات دارد باعث می گردد باور داشته باشیم وجود مبارک ایشان است موجب فیض الهی و سایه ساز رحمت الهی است.

## بخش اول:

# فواید وجود مبارک امام زمان (عج)

## حدیث معراج:

کلام را با حدیث معراج که در باره دوست داشتن چهارده معصوم (علیهم‌السلام) خصوصاً حضرت مهدی (عج) است آغاز میکنیم.

فَقَدَرُوا بِالسَّيِّدِ الْمُحَدِّثِ الْبَحْرَيْنِيِّ غَايَةَ الْمَرَامِ عِنَالْتَعْمَانِيِّ سَادِ هِجْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْهَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ

أَوْ حَيًّا يَلِيْلِيْلَةَ أُسْرِيِي: يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَّفْتَنِيَا لِأَرْضِ عَلِيَا مَتِيكَ؟ وَهُوَ أَعْلَمُ بِدَلِيكَ، قُلْتُ: يَا-  
رَبِّ، أَخِي، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، عَلِيْنَا يُطَالِبُ؟ قُلْتُ: نَعْمِيَا رَبِّ،

قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِيَا طَلَعْنَا لِيَا لَارِضِيَا طَلَا عَهَّ فَآخِرُ نِكْمِيهَا، فَلَا أَذْكَرُ حَتِّيْذْكَرُ مَعِيَا نَا الْمَحْمُ  
وِدُوَا نْتُمْ مُحَمَّدُ ثُمَّ إِنِّيَا طَلَعْنَا لِيَا لَارِضِيَا طَلَا عَهَّ آخِرِيَا خَيْرُ نِكْمِيهَا عَلِيَا بِنَا بِي -

طَالِيْفَجَعَلْتُهُمْ وَصِيْكَةً لِنْتَسِيْدُ الْاَنْبِيَاءِ، وَعَلِيْسَيِّدُ الْاَوْصِيَاءِ، ثُمَّ سَقَيْتُهُمْ اَسْمَاءُ مَنَا سَمَائِيْفَا  
نَا الْاَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ.

يَا مُحَمَّدُ، اِنِّيَا خَلَفْتَنِيَا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ الْاَيْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، ثُمَّ عَرَضْتُمُ الْاَيَاتِ  
كَمَعَلِيَا الْمَلَائِكَةِ، فَمَنْقَبَلَهَا كَانِمَا الْمُؤْمِنِيْنَ، وَمَنْجَحَدَهَا كَانِمَا الْكَافِرِيْنَ.

يَا مُحَمَّدُ، اَلْوَانَعْبُدَا مِنْعِبَادِي عِبْدَنِي حَتِّيْنَقْطَعُ، ثُمَّ لِقَانِي جَاهِدِ الْوِلَايَتِي كَمَا ذُخِرْتُمُ الْنَارَ، ثُمَّ قَا  
لَ: يَا مُحَمَّدُ اَتُحِبُّا نْتَرَاهُمْ، قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: فَمَا مَأْمَكُ، فَتَقَدَّمْتُمَا مِي،

فَاذَا عَلِيْنَا يُطَالِبُ،

وَالْحَسَنُ بِنُعَلِيُوَا الْحُسَيْنُ بِنُعَلِيُوَا عَلِيْنَا الْحُسَيْنُ مُحَمَّدُ بِنُعَلِيُوَا جَعْفَرُ بِنُعَلِيُوَا مُحَمَّدُ، وَمُوسِي بِنَجِ  
عَفْرُوَا عَلِيْنَا مُوسَى، وَمُحَمَّدُ بِنُعَلِيُوَا،

وَعَلِيْنَا مُحَمَّدُ، وَالْحَسَنُ بِنُعَلِيُوَا، وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ، كَانِمَا الْكُوكْبُ الدَّرِّيْفِيُوَا سَطِيْهِمْ.

فَقُلْتُ: يَا رَبِّ، وَمَنْ هُوَ لَاءٌ؟ قَالَ: هُوَ لَاءُ الْأَيْمَةِ وَهَذَا الْقَائِمُ جَلَّالٌ يُؤَيِّدُ الْمُحْرَمِينَ، وَيَنْتَقِمُ عَدَائِي، يَا مُحَمَّدُ احْبُبْهُ، فَإِنِّي احْبُبُّهُ، وَأُحِبُّمُنِي حُبَّهُ.

رسول خدا<sup>(ص)</sup> فرمودند: خداوند عز و جل شبیکه مرا به معراج برد، به من وحی نمود: ای محمد<sup>(ص)</sup>، میان امت خود در زمین، چه کسی را جانشین خود گذاشتی؟ (در حالیکه خداوند به آن داناتر بود) عرض کردم: پروردگارا، برادرم را، فرمود: ای محمد<sup>(ص)</sup>: علی بن ابی طالب را؟ عرض کردم، بلی، پروردگارا، فرمود: ای محمد: به درستیکه من توجه خاصی به زمین نمودم، آنگاه تو را از آن برگزیدم، پس هیچ جا یاد نشوم تا آنکه تو هم با من یادشوی، زیرا من (محمود) هستم و تو (محمد)، سپس توجه ویژه دیگری به سوی من نکردم و از آن، علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> را برگزیدم، پس او را وصی و جانشین تو قرار دادم، تو سرور و آقای پیاامبرانی و علی سرور و سرآمد اوصیاء هست، پس از آن، نامی از نامهای خود برای او برگرفتم، من (اعلی) هستم و او (علی). ای محمد، به تحقیق علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان را از یک نور آفریدم، سپس ولایت آنها را بر فرشتگان ارائه نمودم،



هر که پذیرفت از نزدیکان شد و هر کس آنرا انکار کرد  
از کافران گردید.

ای محمد، اگر بنده ای از بندگان من ، آنقدر مرا عبادت کند که  
خرد شود و اعضایش قطعه قطعه شود، آنگاه بمیرد در  
حالی که هم نکرولایت آنان باشد او را به آتش دوزخ افکنم. سپس  
فرمود: ای محمد، آیا دوست داری آن ها را ببینی؟ عرض کردم:  
آری.

فرمود: جلوتر برو. قدری جلوتر رفتم که دیدم علی بن ابی -  
طالب<sup>(ع)</sup> و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی  
جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن  
علی و علی بن محمد حسن بن علی و حجت قائم<sup>(عج)</sup> را که مانند  
ستاره‌ی درخشان میان آنان بود. عرض کردم: پروردگارا، اینان  
چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان، امامان هستند و این قائم  
(که میانشان ایستاده) حلال کننده ی حلال من و حرام کننده  
حرام من است، و از دشمنان من انتقام میگیرد.

ای محمد، او را دوست بدار که من دوستش دارم و هر که را به او محبت دارد، دوست می دارم.

امام حسن عسکری (ع) درباره فرزندش امام مهدی (عج) میفرمایند:

«اعْلَمْنَا تَقْلُوبًا هَلًا لَطَّاعَةً وَالْإِخْلَاصَ صِرْعَالِيكُمْ مِثْلًا لَطِيرِ الْيَاوُكَارِهَا.»<sup>۱</sup>

فرزندم (مهدی) مطمئن باش که دل های اهل طاعت و قلب انسانهای مخلص بسان پرندهها که به سوی آشیانه پرمیکشند، مشتاقانه راهی کوی تواند.

فواید وجود مقدس امام زمان (عج) در دوران غیبت

برخی از فواید امام در دوران غیبت:

---

1 کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۴۸.

۱. خورشید پنهان ۲. جان جهان ۳. نگهبانی از آئین خداوند با
- هدایت باطنی ۴. نگهداری جامعه از ناامیدی و سرخوردگی ۵.
- ایمن بخشی از بلایا ۶. ایجاد پروای الهی در پرتوی باور وجود
- امام زنده در جامعه ۷. یاری برخی از نیازمندان ۸. دعای خیر آن
- حضرت در حق مومنان ۹. تصویب امور سال در شبهای قدر.

## ۱. خورشید پنهان

دراحدیث متعدّد و گوناگون که در زمینهی فلسفه و فایدهی وجود امام زمان<sup>(عج)</sup> در دوران غیبت به ماریسیده تعبیر بسیار پر معنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده میشود که میتواند کلیدی باشد برای گشودن این رمز بزرگ و آن این که از پیامبراکرم<sup>(ص)</sup> در پاسخ این پرسش که چه فایده ای وجود

حضرت مهدی (عج) در عصر غیبتش دارد فرمود:

«إِيْوَالِدِي يَعْزُبَانِي الْبُؤْرَةُ أَنَّهُمْ يَنْتَعُونَ بِي وَيَسْتَضِعُونَ بِنُورِي وَلَا يَتَفَيْعُونَ بِي كَأَنِّي فَعَالِ النَّاسِ بِالسَّيِّئَاتِ سِوَا نُجَلَّهَا السَّحَابِ.»<sup>۱</sup>

آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید، مردم از نور رهبری در دوران غیبتش بهره میگیرند همانگونه که از خورشید هنگام قرارگرفتن پشت ابرها.

در سخنان پیشوایان معصوم (علیهمالسلام) درباره فواید غیبت تشبیه زیبایی ذکر شده که در آن حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. از جمله در بیان نورانی نبی اکرم (ص) که ذکر شد و همچنین توقیعی که از خود حضرت مهدی (عج) ذکر شده است بیگمانا تشبیه، از روی حکمت بوده است، در بیان تشبیهات تکته‌هایارزشمندی وجود دارد که این جا فقط به برخی از آنها اشاره میکنیم:

---

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲.

۱. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان (عج) نیز در منظومه زمیندگیانسان ها محور و اساس است .
۲. خورشید، در مجموع عهیهستیدار ایفوایدبیشماری است که فقط یکی از آنها نورافشانی است. امام زمان (عج) نیز در نظام آفرینشدار ایفوایدبیشماری است که فقط فوایدانگی از آن، وابسته به آشکاری او است.
۳. ابر، فقط چهره خورشید را بر زمینها میپوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمیکنند. پرده غیبت نیز انسانها را از دیدار مستقیم حضرت محروم میکند و هرگز مانع بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.
۴. ابری شدن از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید، غیبت نیز نتیجه رفتار انسانها است.
۵. ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه های دنیا ییچیره و غالب

شد و آنگونه که شایسته است، تعالیافت، ممکن است از پرده -  
یعنیت فراتر رفته به دیدار آن خورشید پنهان نائل شود.

۶. در بهره‌مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده‌اند  
با افرادی که منکر او هستند تفاوتی نیست. در بهره‌مندی از  
فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.

۷. فقط مردمی در انتظار راستینکنار رفتن ابرها به سر  
می‌برند که به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز  
معرفت به امام، باعث حقیقی‌تر شدن انتظار می‌شود.

۸. فقط انسان‌هایی نابینا از نور افشانی خورشید محرومانند؛ همانگونه که  
فقط انسان‌هایی کور دل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی‌بهره  
هستند. بنابراین شکی نیست که هم‌زمان بهره‌مندی موجودات از آفتاب  
عالم تاب در زمانی که چیزی حائل نباشد بیشتر و کامل‌تر است، اما  
این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام  
یابیشتر بهره‌مندی‌ها را از بین ببرد.<sup>۱</sup>

---

۱- خزینة الجواهر فی زینة المنابر، ص ۱۹۴-۱۹۷.

آن شاخ گل ار چه هست پنهان ز چمن

از فیض وجود اوست عالم گلشن

خورشید اگر چه هست در ابر نهران

از نور ویست باز عالم روشن

همانطوریکه از وجود خورشید تمام انسانها، حیوانات، پرندگان، گیاهان و تمام موجودات بهره‌مند میشوند.

هكذا وجود مقدّس امام زمان<sup>(عج)</sup> منشاء برکت است برای همهی موجودات بالاخصّ برای انسانها حتّی برای کافران، چون کافران هم به برکت وجود آن حضرت از نعمات الهی بهره‌مند میشوند.

## ۲. جان جهان

طبق احادیث فراوانی که در موضوع امامت وارد شده، او بر اساس دلائلی که دانشمندان ارائه کرده‌اند، در بینش اسلامی، امام زمان<sup>(عج)</sup> جان جهان است و جهان به وجود او بستگی دارد. امام قلب عالم وجود، هستهی مرکزی جهان هستی و «واسطه‌ی

فیض» بین عالم و آفریدگار است و از این جهت حضور و غیبت او تفاوتی ندارد.<sup>۱</sup>

و اگر او (ولو به صورت ناشناس) در جهان نباشد، جهان هستی در هم فرو میریزد. چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنانش را به کام خود فرو می‌برد.<sup>۲</sup>

### ۳. نگرهبانی از آئین خداوند با هدایت‌های باطنی

بی‌گمان پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) معلمان و مربیان اصلی انسانها هستند و مردم، همواره از زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دستوری مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر (عج) ممکن نیست؛ آن معدن علوم الهی به راههای مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز میکند.

---

۱- سیمای پیشوایاندر آئینه تاریخ، ص ۲۰۹، مهدی پیشوایی  
۲ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۴ (ط اسلامیه، ۱۳۸۱)



این مهم نه فقط در دوره غیبت صغرا، با پاسخگویی به پرسش - های مردم و دانشمندان، از طریق نامه‌های امام (که به توقیعات مشهور است) تحقق یافت، بلکه در دوران غیبت کبرا نیز به صورت هدایت‌های باطنی صورت پذیرفت.

#### ۴. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی

بدون شک باور به امام غایب سبب امیدواری مسلمانان به آینده روشن میشود. این امیدواری، از بزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت است.

جامعه‌ی شیعی طبق باور خویش به وجود امام شاهد و زنده، همواره منتظر ظهور آن حضرت است. او را در میان خود نمی‌بیند، اما خود را یگانه و جداگانه از او نمیداند، یاری امام پنهان، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و همین مسئله باعث میشود پیروانشان به امید و عنایات حضرتش، برای رسیدن به وضع مطلوب جهانی تلاش کنند ...

## ۵. ایمنی بخش از بلاها

بدون تردید، امنیت از اساسیترین نیازهای زندگی است. پدید آمدن رخدادهای ناگوار، همواره این نیاز را مورد تهدیدی جدی قرار داده و حیات طبیعی موجودات را به مخاطره انداخته است.

بخشی از این نگرانیها با کنترل عوامل شناخته شده برطرف میشود؛ اما در موارد فراوانی، عوامل ناشناخته و خارج از کنترل، ناامنیهایی را بر زندگی تحمیل میکند.

در برخی روایات، امام و حجت الهی، عامل امنیت زمین و اهل آن دانسته شده است.

امام مهدی (عج) خود فرموده است: «وَأَيْنِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»<sup>۱</sup>

من سبب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم...

## ۶. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه

---

1 کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۴۸۳

از روایات اسلامی به دست می‌آید که در دوران غیبت حضرت مهدی(عج) و در زمانهای معینی، اعمال انسانها به آن حضرت عرضه میشود. این باور خود در ایجاد پروای الهی، و خویشتن داری برابر انجام کارها، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد.

مرحوم کلینی در کتاب کافی، بخشی را با عنوان «بَابُ عَرْضِ أَعْمَالِ عَلِيِّ النَّبِيِّ (ص) وَ الْأَئِمَّةِ (ع)» پدید آورده و در آن روایاتی را یادآور شده که در آن، سخن از عرضه اعمال بر امام زنده عصر دارد.

## ۷. یاری برخی نیازمندان

جدای از این که همه حالتها، خود آن حضرت به یاری استمدادکنندگان می‌آید با این که امام زمان(عج) و اولیای او و نیز این که یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه، شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسانهای بسیاری به دست آن حضرت یا اراده ایشان از سختی و مشکلات نجات یافته‌اند.

طبق نقل مرحوم طبرسی از سوی حضرت مهدی (عج) نوشته و توقیعی برای شیخ مفید صادر شده است که در آن نکته‌های ارزشمندی درباره فایده یاد شده است.

آنجا میخوانیم: (ما در رعایت احوال شما کوتاهی نمیکنیم و شما را فراموش نمی‌مائیم. اگر این چنین نبود، شر و بدی بر شما نازل میشد و دشمنان بر شما چیره میگشتند؛ پس تقوای الهی پیشه کنید).<sup>۱</sup>

## ۸. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان

شکی نیست که امام معصوم<sup>(ع)</sup> از هر پدر و مادری مهربانتر است و در همه حال، خوبی بندگان خدا(به ویژه مؤمنان) را میخواهد؛ از این رو همواره برای موفقیت آنها و نیز دوری مصیبتها و مشکلات از آنها، دعا میکند. این هم در موارد فراوانی رخ داده است.

## ۹. تصویب امور سال در شب قدر

---

احتجاج؛ ج ۲، ص ۴۹۵۱-طبرسی، ۱

طبق برخی روایات، تقدیرات الهی با امضای آن حضرت صورت میگیرد.<sup>۱</sup>

### نتیجه مبحث‌ها و وجود مقدس امام زمان (ع)

افزون بر هدایت معنوی امام، اصل وجود او حکمت و لطف است که در نظام حکیمانه الهی وجود او ضرورت دارد. از سخنان معصومان (ع) به دست می‌آید که در نظام نه فقط پدید آمدن مجموعه‌ی هستی، بلکه دوام نظام آفرینش، به واسطه‌ی وجود انوار مقدس پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بوده است. به گونه‌ی که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آنها غیرممکن است.

به عنوان نمونه به نقل یک روایت بسنده می‌کنیم:

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: (یا علی! اگر ما نبودیم، خداوند آدم و حوا را و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کرد...)<sup>۲</sup>

---

۱- از کتاب درسنامه مهدویت، ج ۲، از صفحه ۱ تا ۷۰، تلخیص توسط نگارنده ۱  
اعیون اخبار الرضا (ع) ج ۱، ص ۲۶۲، شیخ صدوق

## امام شناسی در زیارت جامعه ی کبیره

امام هادی (علیه السلام) با ترقیم زیارت جامعه ی کبیره که منشور اعتقاد شیعه را با فصیحترین بیان انشاء فرموده اند: در این زیارت حدود ۴۰۰ ویژگی و صفات از امامان معصوم (علیهم السلام) که یک دوره امام شناسیمی باشد بیان نموده است.

در زیارت جامعه ی کبیره وارد شده "وَبِكُمُيَنْزِلُ الْغَيْثُ": به سبب وجود شما (امامان) باران رحمت نازل میشود امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: "بنا أثمرت الأشجار، و آينعت الأثمار، و جرت الأنهار"<sup>۱</sup> به سبب ما درختان میوه میآورند، و میوه ها به پختگی می رسند، و رودها جاری میشوند  
". بِكُمُيَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَيَا أَرْضًا لِأَيِّدُنِهِ " به واسطه ی شما (ائمّه)  
آسمان را خدا به پا داشته تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید و

---

۲ الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴ - درسنامه مهدویت، ج ۲، ص ۶۰.

(وَكُمُيَسْأَلُهُمْ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ)<sup>۱</sup> به واسطه‌ی شما غم و اندوه و رنجها از

دلها برطرف میگردد...

و در دعای عدیله می -

خوانیم: "وَيُمِرُّرِزْقَ الْوَرِيْثِ وَيُبُوْجُوْدِهِ تَبَتَّ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ"<sup>۲</sup>.

به برکت وجود حضرت امام زمان (عج) جهان روزی داده میشود،

آن بزرگوار حق نعمت برخلایق دارد و به برکت امام

زمان (عج) زمین و آسمانها پا برجامانده.

**عالم جلیل القدر آیت الله خوشوقت چه زیبا بیان میکند:**

چرا افسرده‌ای؟ چرا مضطربی؟

چرا غصه میخوری؟ به چی فکر میکنی؟

دیروزت که گذشت، تمام شد رفت، هرچه بود، فردایت که هنوز

نیامده ببینی هستی یا نیستی، چه میشود چه نمیشود، عالم بر

قرار هست یا نیست. همین لحظهای که الان من و تو هستیم

---

۱- زیارت جامعه ی کبیره، مفاتیح الجنان.

۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

حیات ما همین لحظه است . . .

به این فکر کن که خدا هست، محمد و آل‌محمد هستند، حضرت  
بقیة الله <sup>(عج)</sup> بِوَجُودِهِ تَبَّتْ أَرْضُ السَّمَاءِ هَسْتَ.

توکل کن به خدا . . .

محکم باش، وقتی شیطان می‌آید سراغت القا میکند این حالت  
ها را، این وضعیتهای را بگو ... من حضرت مهدی <sup>(عج)</sup> را دارم که از  
تمام حالات من مطلع است و از پدر و مادر صدها و میلیونها بار  
به من مهربانتر است .... چرا غصه بخورم؟ ما امام زمان داریم  
حجه بن الحسن را داریم، عزیزان خدا را داریم ... بهترین چیزها را  
در عالم ما داریم. چرا مضطرب هستی؟ چرا غصه میخوری؟ به  
چی فکر میکنی؟ اگر مربوط به دنیاست دست آنهاست .... اگر  
مربوط به آخرت هست باز هم دست آنهاست، دنیا و آخرت ما  
دست آنهاست و ما بی کس نیستیم، مشکلات من و تو را هم غیر  
از او کسی نمی تواند حل کند و اینکه مشکلات و گرفتاری هایی  
که میبینیم همه داریم، علتش این است که هستیست هستیم در  
توسل و توکل . . .



ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) وسیله‌ی فیض و مجاری فیض‌الهی هستند. معدن رحمت‌الهی و گنج‌های علم و محلّ نزول ملائکه هستند، در زیارت جامع‌هی کبیره میخوانیم:

"السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمُهَيِّطِ الْوُجُوهِ وَمَعْدِنِ الْرَحْمَةِ وَخُزَّانِ الْعِلْمِ.." زیارت جامع‌هی کبیره که این زیارت‌نامه از ناحیه -

ی امام هادی (ع) صادر شده است، واقعا این زیارت یک دوره‌ی امام شناسی را به ما یاد میدهد. همه ما مهیمان سفره‌ی با برکت ولینعمت‌مان امام زمان (عج) هستیم، در زیارت جامع‌هی کبیره از

ائمه (علیهم‌السلام) به عنوان "اولیاءِ النَّعَمِ" یاد شده یعنی ائمه سرپرستان

نعمتها هستند، و در زندگی و در موفقیت‌ها باید به خدا

شکر کنیم و از امام زمان تشکر نماییم، به برکت دعا‌های امام

عصر (عج) بلاها دفع می‌شود.

## توقیع شریف حضرت به شیخ مفید

حضرت ولیعصر (عج) در توقیع شریفش به شیخ مفید

می‌فرماید: ((تَوْقِيعُهُ الْيَا شَيْخَ الْمُفِيدِ: إِنَّا عَيْرُ مُهَيِّئِ الْمُرَاعَاتِ كَمَا لَا نَأْسِينَا ذِكْرُكُمْ،

وَأُولَٰئِكَ نَزَّلْنَا لَكُمُ اللَّوَاءَ وَأَصْطَلَمَكُمْ أَلْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ...)) ما در

مراعات شما اهمالکاری نداریم، شما را فراموش نکرده ایم، و اگر اینطور نبود، گرفتاری و ضیق معیشت برای شما پیش می‌آمد و دشمنان شما را مستأصل میکردند، از خدای جَلَّ جَلَالُهُ تقوا داشته باشید و ما را یاری کنید<sup>۱</sup>.

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده‌اند: ((أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يُدْفَعُ الْبَلَاءُ مِنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي))<sup>۲</sup> من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم خداوند تبارک و تعالی به واسطه‌ی من بلاها را از خاندانم و شیعیانم دور میکند.

لازم به ذکر است زندگانی دنیا توأم با مشکلات و بلاهای طبیعی است اما آن بلاهایی که ریشه‌ی ما را قطع میکند و ما را به کلی نابود میکند، این بلاها و توطئه‌های شوم دشمنان که هدفشان نابودی مکتب و کیان شیعه هست آن‌ها به برکت دعاهای امام زمان<sup>(ع)</sup> دفع میشود. پس نتیجه میگیریم وجود مقدس حضرت

---

۱- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶.

بقیة الله واسطه‌یفیضالهی به بندگانش است. خواه در دوران

غیبت باشند یا ظهور

نمایند. «قَالَ الْحَبَّهٗ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَائِيْلًا مَا نِلاَ هَلَا لَأَرْضِكُمْ اَنَا لِنُجُومًا مَا نِلاَ هَلَا لِسَمَاءٍ»<sup>۱</sup>

امام مهدی (عج) فرمود: من برای اهل زمین امانم چنان که ستارگان به اهل آسمان امانند.

چنان که خود حضرت مهدی (عج) هم تصریح فرموده‌اند وجود مبارک آن امام همام سبب امنیت و آسایش برای اهل زمین هست.

## سخن خواجه نصیر درباره امام زمان (عج)

در رابطه با وجود مقدس امام زمان (عج) خواجه نصیرالدینطوسی در تجرید سه جمله ظریف و زیبا دارد:

---

۱- خاندان وحی، ص ۷۷۹- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

خواجه وقتی به باب امام زمان (عج) میرسد میگوید:  
«وَجُودُهُ لَطُفٌ» خدای منان یک لطفی را برای خودش واجب  
کرده است و آن این است که امام کامل جامع حکیم مهربانی را  
برای ما آفریده.

«كَتَبَ عَلَيْنَا نَفْسَهَا الرَّحْمَةَ»<sup>۱</sup> رحمت و (بخشش) را بر خود حتم کرده‌است.  
«وَتَصَرَّفُهَا لَطْفًا آخَرَ» امام زمان از جانب خدا در عالم خلقت و جهان  
آفرینش تصرف می کند و به فریاد شیعه می رسد و معضلات و  
مشکلات را از مسیر شیعه برمی‌دارد.

«وَعَيْنُهُنَّ مَنَّا» غیبت امام زمان (عج) از ماست چون ما به تکلیف و  
وظیفه‌مان عمل نمیکنیم. ما باید با امامی که وجودش برای  
لطف‌الهی است رابطه برقرار کنیم.

**فرمان قرآن کریم درباره‌ی رابطه با امام زمان (عج)**

---

۱- سوره انعام، آیه ی ۱۲.

قرآن کریم درباره‌ی ارتباط برقرار کردن با امام زمان (عج) میفرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>. خدای

مَنان در سوره‌ی آل‌عمران به مؤمنین چهار فرمان می‌دهد: اولین

فرمان ثبات قدم و مقاوم بودن در انجام واجبات و ترک گناه،

دومین فرمان دعوت کردن یکدیگر به صبر و استقامت و

شکیبایی در مصائب و حوادث است، سومین فرمان (ورابطوا)

یعنی رابطه برقرار کنید، با چه کسی رابطه برقرار کنیم؟ در روایات

آمده «رَابِطُوا عَلَيَّ الْأَيَّمَةَ»<sup>۲</sup> با امامان معصوم رابطه برقرار کنید.

در یک روایت دارد «رَابِطُوا مَعَ الْمَهْدِيِّ»<sup>(ع)</sup><sup>۳</sup>: با حضرت مهدی (عج) رابطه

برقرار کنید. اگر ارتباط ممکن نبود آیا پروردگار عالم فرمان به

امر محال و غیر ممکن میداد!؟

---

۱- سوره انعام، آیه ۲۰.

۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۲۱.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۹۹.

فرمان چهارم «واتقواالله» از خدا پروا نمایید، برای حفظ و حراست از ارتباط فرمود: واتقوا: تقوا پیشه کنید چون ممکن است انسان رابطه برقرار کند، اما بر اثر بیتقوایی و گناه رابطه قیچی شود و بریده گردد. لذا میفرماید: «واتقواالله»<sup>۱</sup> حواستان جمع باشد تا رابطه از بین نرود و در کلاس خویش‌تنداری از گناه قوی باشید. برای این که ارتباط هایمانبا اهل بیت<sup>(ع)</sup> مخصوصاً امام زمان<sup>(عج)</sup> هیچ گاه قطع نشود چه باید کرد...؟

## گامهای عملی ما در ارتباط با امام زمان<sup>(عج)</sup>

۱. اولین گام جهت ارتباط با امام زمان<sup>(عج)</sup> شناخت افکار و اندیشهها و سیره عملی آن بزرگواران و نیز شناخت حقوقی است که آنان به عهده ما دارند، تا زمانی که معرفت ما نسبت به آن بزرگواران سطحی باشد و تنها آنان را تعبداً احترام و تکریم کنیم، ارتباط و اتصال ما با آنان، عمیق نخواهد شد.

---

۱- بحار الانوار، جلد ۲۴، ص ۲۲۱.

۲. معرفت به ائمه<sup>(ع)</sup> و امام زمان<sup>(عج)</sup> مستلزم محبت آگاهانه و عاشقانه به آنان شده و نتیجه چنین محبتی منشأ امتثال اوامر الهی (اطاعت خداوند) و اجتناب از گناهان خواهد گردید.

چنان که امام علی<sup>(ع)</sup> فرموده است: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا»<sup>۱</sup>

هر کس ما را دوست دارد، باید همانند ما عمل کند. بزرگترین چیزی که مانع یا سبب قطع ارتباط ما با امام زمان<sup>(عج)</sup> می‌گردد و عنایات آنان را از ما سلب می‌کند گناه و عوارض آن است.

۳. دستور العملهایی نیز در کنار نکات یاد شده جهت ارتباط بیشتر با امام<sup>(عج)</sup> از ناحیه اولیای الهی بیان گردیده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف. خواندن زیارت جامعه و مطالعه‌ی کتابهایی که در شرح آن نوشته شده‌اند.

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۲.

ب. خواندن نماز امام زمان (عج) ماهی یکبار (حداقل).

ج. خواندن زیارت آلیاسین ماهی یکبار (حداقل).

د. سلام دادن به امام عصر (عج) هنگام خوابیدن و درخواستن از خواب<sup>۱</sup>.

تعداد زیادی از بزرگان و اولیاء الهی با حضرت ارتباط برقرار کردند و به خدمتشان مشرف شده‌اند که شرح حال آنان در این مقاله نمی‌گنجد. برخی از آن‌ها در بخش سوم این کتاب آمده است.

الطاف و عنایات امام عصر (عج) همیشه فراوان شامل حال شیعیان بوده و هست، به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم...

**توسّل آیت‌الله‌نایب‌نبیه حضرت ولیعصر امام مهدی (عج)**

---

۱- پاسخ‌ها به پرسشها و شبهات، ج ۱، ص ۶۴ الی ۶۷ پژوهشکده تحقیقات اسلامی.



دردوران غیبت کبری توجه و عنایت خاصی به شیعیان خود دارند و در همهی حالات پیش آمده به یاری آن ها شتافته اند. برای اثبات این ادعاء فقط و فقط می توان به بعضی از احادیث و مصادیق آن ها مراجعه کرد.

### نظارت بر جامعهی شیعه

حضرت در زمان غیبت بر شرایط و اتّفاقات درون جامعهی شیعه نظارت و آگاهی کامل دارند و کسانی که توفیق زیارت جمال ایشان را داشته اند، این مطلب را از زبان خود حضرت شنیده‌اند: در زمان جنگ جهانی اوّل بود که مردم از شرایط به وجود آمده بسیار در عذاب بودند، شبی آیت الله نائینی به امام زمان متوسّل می شود. در خواب دیواری به شکل نقشه ی ایران دیدم که شکاف برداشته، خم شده و در حال افتادن است، زیر دیوار یک عده زن و بچه نشسته بودند و دیوار داشت روی سر آن ها خراب می شد. فریاد زدم: خدایا این وضع به کجا خواهد انجامید؟ در

همین حال دیدم که حضرت ولی عصر (عج) آمدند و انگشت مبارکشان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود گرفتند و آن را بلند کردند، دو مرتبه سرجا قرار دادند و فرمودند: این جا شیعه خانهاست، خم می شود، شکست بر میدارد اما نمیافتد.<sup>۱</sup>

### عنایت امام زمان (عج) به سید عبدالکریم کفّاش

مرحوم سید عبدالکریم پینه دوز هفته‌های یک مرتبه خدمت امام زمان (عج) میرسید. یک وقت حضرت از سید عبدالکریم پرسیده بود: اگر هفته‌های یک بار ما را نبینی چه خواهی کرد؟! عرض کرده بود: آقا جان میمیرم. حضرت تصدیق کرده بودند و فرموده بودند: سید عبدالکریم، اگر چنین نبود که ما را نمیدیدی. آقا گاهی تشریف می‌آوردند مغازه‌ی من یک وقت حضرت فرمودند: سید عبدالکریم، کفشهای مرا میبینی؟ گفتم: بله آقا جان. فرمودند: این کفشهای من احتیاج به پینه دارد، میشود

---

۱ - فراهایی از تجلیات امام عصر (علیه السلام).

کفشهای مرا پینه بزنی؟ گفتم: آقا جان من قول دادم به دیگران، اگر الان مشغول پینه زدن کفشهای شما بشوم به قولمنمی توانم عمل بکنم، بدقول میشوم؛ چشم آقا جان، نوکرتم، حتماً پینه میزنم، اما اجازه بدهید به قولهایی که دادهام عمل بکنم، برای باردوم حضرت فرمودند: سیدعبدالکریم، میشود این کفشهای مرا پینه بزنی؟ می گوید: آقا جان قربانتان بشوم، خدمتان که عرض کردم، روی چشم، من قول دادهام، به وعده ام عمل بکنم. برای مرتبهی سوم حضرت فرمود: سیدعبدالکریم، میشود این کفشهای مرا پینه بزنی؟ بلند شدم، آمدم خدمت آقا، آقا را در آغوش گرفتم وبا دستهای محکم آقا را نگه داشتم، آن قدر خودمانی شدیم که بالاخره (دل ودلبر به هم آمیخته) انسان به این مرحله برسد که خودمانی خودمانی شود. سیدعبدالکریمی گوید: رفتم جلو، حضرت را بغل کردم، بادیست ها کمر آقا را محکم گرفتم، گفتم: آقا جان، من که عرض کردم به دیگران قول دادهام، چشم، نوکرتم، اما اگر این بار بگویی میشود کفشهای مرا پینه بزنی، همین طوری محکم نگهت میدارم، فریاد میزنم ای

مردمی که دنبال امام زمان (عج) میگردید، بیایید، آقا مغازه‌ی من است. حضرت شروع کردند به خندیدن. دست مبارکشان را زدند به پشت من و گفتند: آفرین! بارک‌الله، عبدالکریم من میخواستم امتحانت کنم، ببینم برای قول و وعده‌ها چقدر حساب باز می‌کنی. سید عبدالکریم ما شما را برای خودمان نمیخواهیم، ما شما را برای خدا میخواهیم، هرچه بنده‌تر باشید ما شما را بیشتر دوست داریم.

این سید عبدالکریم کفّاش بنده‌ی خدا مستأجر بود، چند ماهی اجاره خانهاش عقب افتاده بود، صاحب خانهاش بیرونش کرده بود، اثاثهایش را ریخته بودند در خیابان، متوسّل به حضرت میشود. حضرت تشریف می‌آورند و می‌فرمایند: سید عبدالکریم ما اهل بیت و امامها به دنیا توجّه و اعتناء نکردیم، تو هم بیا، بگذر، از ما خانه نخواه. می‌گوید: آقا جان، شما هرچه بگویید من قبول دارم، شما مهم‌ترین و اساسی‌ترین مصائب و مشکلات را دیدید، اما آقا جان مستأجری نکردی، ببینی چقدر سخت است. آقا لبخندی زدند و فرمودند: خانه برایت فراهم می‌کنیم، حدود یک

ساعتگذشت که یک تاجرتهرانی آمد، ما را سوار کرد و یک خانهدی آماده با کلیدش به ما تحویل داد و رفت.

سیدعبدالکریم میگفت: یک وقت در عالم رویا آقا امام زمان (عج) در آسمانها، جای مرا در بهشت نشانم داد، گفت: سیدعبدالکریم، این جا جای توست، میخواهی بمانی؟ گفت: آقا جان، من اگر در بهشت بمانم شما هم تشریف دارید؟ فرمود: نه. من فعلاً به دنیا باید بروم، انقلابی دارم چنین و چنان. گفتم: آقا جان جایی که تو نیستی به درد من هم نمیخورد. به همین خاطر با آقا آمدم.

بهشت را فروختم به نیمی از نگاه تو

بدین امید زندهام که گردم از سپاه تو

بین چقدر با حضرت یگانه بوده سیدعبدالکریم پینه دوزهفتههای یکبار به محضر امام زمان (عج) میرسد.

**رمز ملاقات سید عبدالکریم کفاش با آقا**

رمز ملاقات و دیدارش چه بود؟ چگونه موفق به لقاء و دیدار امام زمان شد؟ همین سؤال را از سید عبدالکریم پرسیدند: چه شد که مؤقق به دیدار حضرت شدی؟ فرمود: من یک شب پیغمبر ختمی مرتبت<sup>(ص)</sup> را در عالم رویا زیارت کردم. گفتم: یا جدّاه، یا رسول - اللهم خیلی علاقه دارم خدمت آقازاده‌ی شما برسم، چه کنم؟ هر دری میزنم نمیشود. جدّم فرمود: سید عبدالکریم، فرزندم، روزی دو بار، اوّل صبح و اوّل شب مینشینی و برای حسینم گریه میکنی، اگر میخواهی خدمت امام زمان برسی این برنامه را انجام بده.

میگوید: من از خواب بیدار شدم، این برنامه را یک سال ادامه دادم، صبحها مینشستم، خودم برای خودم روضه‌ی کربلا میخواندم؛ غروب هم مینشستم مقتل میخواندم و گریه میکردم. یک سال که از این جریان گذشت، دیدم دیگر راه باز شد.<sup>۱</sup>

---

۱- ارتباط معنوی با امام زمان (عج)، کافی، ج ۱، ص ۷۹.

در دعایندبه نیز می خوانیم: «أَيُّ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِينَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.»  
کجاست حلقه‌ی اتصال و واسطه فیض بین زمین و آسمان؟  
بقایزمین به برکت وجود مقدّس آن حضرت است و درحقیقت آن  
حضرت حقّ بقاء بر زمین و اهل آن دارد.

امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَمَسَاخَتْ»<sup>۱</sup>  
اگر زمین بدون امام باقی بماند هرآینه فرو میریزد.

امام رضا<sup>(ع)</sup> میفرماید «.. أَلِإِمَامِ الْوَالِدِ الشَّافِقِ...»<sup>۲</sup>

وامام پدری دلسوز و مهربان است.

---

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۷۹

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۰۰

# بخش دوم:

## وظایف منتظران در عصر غیبت

مقدمه

چگونه توجه امام زمان (عج) را به خود جلب کنیم؟



## وصیت عالم ربانی سید ابنطاووس به فرزندان خود :

۱. در پیروی و وفاداری و دلبستگی به امام زمان (عج) آنگونه باش که خداوند و رسول خداوند و پدران آن حضرت و خود ایشان از تو میخواهند.

۲. هنگامی که نمازهای حاجت را به جا میآوری حوائج آن بزرگوار را بر خود مقدم مدار.

۳. صدقه دادن از سوی آن حضرت را بیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار بده .

۴. دعا برای ایشان را بر خودت مقدم مدار، خلاصه در هر کار خیری وفای به حق آن حضرت را مقدم مدار، زیرا این کار سبب احسان و توجه بیشتر ایشان به تو میشود<sup>۱</sup> .

پس از شناخت فواید وجودی، وجود با برکت امام عصر (عج) باید بدانیم که اعمال هر یک از ما شیعیان در تعجیل و تأخیر ظهور ایشان نقش بسزایی دارد ایشان در همه حال حاضر بر اعمال، رفتار ما هستند و هرگونه عمل قبیح و ناشایست ظهور ایشان

---

۱۱-کشف الحجه، ص ۱۵۱، سید بن طاووس

تأخیر میاندازد لذا با شناخت وظایف خویش و عمل به آنان گامی هر چند کوچک در جهت ظهور و تعجیل و پایان انتظار برداریم که برخی از این وظایف به شرح ذیل است:

### وظایف ما نسبت به امام زمان (عج)

اولین و مهمترین وظیفه ما نسبت به امام زمان (عج) ادب و احترام درک حضور حضرت است، یعنی این که در محضر حضرت هستیم و در حضور او گناه نکنیم.

شاید در این جا سؤالی مطرح است که آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) و امام زمان (عج) از تمام اعمال ما با خبر هستند؟ جواب:

در کتابهای روایی ما بابتی به نام (عرضة الاعمال) وجود دارد. طبق آیهی شریفه «... قُلْ اَعْمَلُوا فَاَسِيرَ بِاللَّهِمْ لَكُمْ مَوْزُ سُوْلُهُو الْمُؤْمِنُونَ...»<sup>۱</sup>

---

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۵.

بگو: هر کاری میخواهید بکنید، که به زودی خدا و پیامبر و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست.

تمام کارهای ما هر هفته یک روز یا دو روز، طبق بعضی دیگر از روایات هر روز و مطابق روایاتی هر صبح بر امام عصر (عج) عرضه میشوند. <sup>۱</sup> این اعتقاد باید تأثیر مهمی در زندگی ما داشته باشد، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی.

هر یک از ما باید فرض کنیم همان کاری را که روزانه انجام میدهیم، هنگام شب در معرض اطلاع شخص بزرگی که به او احترام فراوان می‌کنیم قرار میگیرد. آن وقت چه احساسی داریم و رفتار و کردار خود را چگونه تنظیم میکنیم؟

بنابراین بر ما لازم است کارهایی را انجام دهیم که قلب مقدس آن حضرت را خوشحال و شاد کنیم. سیدابنطاوس پس از نقل روایات در کشفالمحجّه به فرزندش وصیت نمود: حاجات خود را

---

۱- مجمع البیان، طبرسی، ج ۵، ص ۶۹.

هردوشنبه، پنجشنبه بر حضرت پس از عرض سلام و صلوات،  
عرضه کن.<sup>۱</sup>

به سه نمونه در زندگی ائمه‌ی اطهار<sup>(ع)</sup> درباره‌ی اطلاع آنان از  
اعمال ما اشاره میکنیم، البته نمونه‌های فراوانی وجود دارد، فقط  
جهت اختصار به این حدّ اکتفاء میشود:

### ۱. ابوبصیر می گوید:

در کوفه بودم، به یکی از بانوان درس قرائت قرآن می‌آموختم،  
روزی در یک موردی با اوشوخی کردم. مدتها گذشت تا در مدینه  
به حضور امام باقر<sup>(ع)</sup> رسیدم، آن حضرت مرا مورد سرزنش قرار  
داد و فرمود: کسی که در جای خلوت گناه کند، خداوند نظر  
لطفش را از او بر میگرداند، این چه سخنی بود که به آن زن  
گفتی؟ از شدت شرم سر در گریبان کرده و توبه نمودم،

---

۱- نجم الثاقب، میرزا حسین نوری - طبرسی، ص. ۸۲۴

امام<sup>(ع)</sup> فرمود: مراقب باش که تکرار نکنی و با زن نامحرم شوخی  
ننمایی.<sup>۱</sup>

۲. ابن شهر آشوب روایت کرده از موسی بن سیّار، که گفت: من با  
حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> بودم. نزدیک شده بود آن حضرت به  
دیوارهای طوس، که شنیدم صدای شیون و فغانی. پس پی آن  
صدا رفتم، ناگاه برخوردیم به جنازهای. چون نگاهم به جنازه  
افتاد دیدم سیّد امام رضا<sup>(ع)</sup> از اسب پیاده شد، نزدیک جنازه  
رفت و او را بلند کرد. پس خود را به آن چسباند. پس رو کرد به  
من و فرمود: ای موسی بن سیّار! هر که مشایعت کند جنازهی  
دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون شود، مانند روزی  
که از مادر متولّد شده، که هیچ گناهی بر او نیست.  
چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، دیدم خود امام رضا<sup>(ع)</sup>  
را، که به طرف میّت رفت.

---

۱- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۷

مردم را کنار کرد، تا خود را به جنازه رسانید پس دست خود را به سینه‌ی او نهاد و فرمود: ای فلان ابن فلان! بشارت باد تو را به بهشت، بعد از این ساعت، دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست. من عرض کردم: فدای تو شوم: آیا میشناسی این شخص میّت را حال آنکه به خدا سوگند! که این بقعه‌ی زمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید؟! فرمود: ای موسی! آیا ندانستی که بر ما گروه ائمه عرضه می شود اعمال شیعیان ما، در هر صبح و شام؟ پس اگر تقصیری در اعمال ایشان دیدیم، از خدا می خواهیم که عفو کند. و اگر کار نیک دیدیم از خدا برایش اجر می‌خواهیم.<sup>۱</sup>

۳. امام زمان (عج) به نایب و وکیل چهارم خود شیخ ابی الحسنعلیّ ابن محمّد سمریفرمودند: ای علیّ ابن محمّد سمری خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید، به درستی که در اثنای این شش روز وفات خواهی نمود، پس جمع نما امر خود را و در کار خود آماده باش و به احدی وصیّت

---

۱- منتهی الآمال ج ۲، ص ۳۶۷ و ۳۶۸، شیخ عبّاس قمی

نیابت‌نما که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو، به درستی که غیبت کبری واقع شده<sup>۱</sup> ... میبینیم در این توقیع شریف امام (عج) حتی از اجل و مرگ محمد سمری خبر می دهد. در کلامینورانی از آن حضرت است که هم میفرماید: ((ما همواره از احوال شما با خبریم)).

### وظیفه‌ی دوّم مانسبت به امام زمان (ع)

ادب و احترام به منسوبین حضرت منسوبین جسمی مانند سادات و احترام به سادات و منسوبین روحی مثل شاگردان و سربازان حضرت همان علماء حتی مؤمنین، احترام و اظهار ادب به علماء و مؤمنین و اذیت نکردن آنان. اگر کسی نسبت به عالمی یا سیّدی یا مؤمنی جسارت نماید و قلب آنان را آزرده نماید در واقع قلب امام عصر (عج) را آزرده کرده است.

---

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۲۷

در حدیثی میخوانیم که رسول خدا (ص) در این باره می-  
 فرماید: ((مَنَاحِرُ نَمُو مَنَاطِمًا عَظَاهَا اللَّهُ يَأْتِي كُنُودًا لِكَمَا تَهَوَّلُمِيؤُ جَزَعَلَيْهِ))<sup>۱</sup> هر که  
 مؤمنی را اندوهناک سازد و سپس دنیا را به او بدهد، این بخشش  
 سبب بخشودگی گناهش نشود و بر آن پاداشی نمییند پس اگر  
 طالب رضایت امام زمان (عج) هستیم مواظب باشیم دل کسی را  
 نشکنیم.

## وظیفهی سوّم مانسبت به امام زمان (ع)

باید تلاش کنیم معرفت و شناختمان را به امام  
 مهدی (عج) بیشتر کنیم در روایات فضایل زیارت ائمه اطهار (ع) که بیانمی-  
 شود میبینیم آن زیارتی با فضیلت است که عارفاً بحقه باشد  
 یعنی واقعاً بشناسد که امام کیست هر کس در حدّ خودش امام  
 شناس باشد حقّ امام را بشناسد و اطاعت امام را برای خود  
 واجب بداند.

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۵، علامه محمد باقر مجلسی



در حدیثی از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نقل شده است:  
 «...إِنَّا لَأَرْضًا تَصْلَحُ إِلَّا بِالْإِمَامِ، مَنَامَاتٍ وَ لَمْ يَعْرِفَا مَزَامِنَهُاتٍ مِيتَةً  
 جاهلیّة»<sup>۱</sup> زمین اصلاح نمی گردد مگر از برکت وجود امام  
 زمان (عج)، هر کس بمیرد در حالیکه امام زمانش را نشناسد، همانا به  
 مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

### وظیفه‌ی چهارم مانسبت به امام زمان (ع)

دعا برای سلامتی و تعجیل ظهور حضرت خصوصاً بعد از نمازها.  
 یکی از دعاهای مأثوره این است که جبرئیل آن را به حضرت  
 یوسف (ع) تعلیم کرد موقعی که حضرت یوسف در زندان بود. به  
 این روش که بگیر ریش خود را به دست راست و کف دست چپ  
 را بگشا به جانب آسمان و هفت مرتبه بگو:  
 «يَا رَبِّمُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَعَجَّلْ لِي جَاءَ مُحَمَّدٍ..» مفاتيح الجنان،  
 تعقیبات مشترکه و خواندن ادعیه منتسب به امام زمان (عج)  
 مخصوصاً دعا سلامتی آن حضرت، خصوصاً دعا در اماکن مقدّسه

۱- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۰۳.

برای تعجیل ظهور مثل عتبات عالیات، مکّه‌مکرّمه ، مسجد  
مقدّس‌جمران، مسجد کوفه و در تمامی مساجد و دعا برای  
سلامتی و تعجیل فرج بعد از توّسل به ائمّه اطهار و روضه‌های  
امام حسین<sup>(ع)</sup>

که خود حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup> فرمود:

«..وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ كَفَرٌ جُمْ»<sup>۱</sup> برای تعجیل ظهور

بسیار دعا کنید که این تعجیل فرج همانا برای شما گشایش است.

دعا کردن برای حضرت حجّت<sup>(عج)</sup> فواید زیادی برای خود ما دارد.

## فواید دعا برای ظهور امام زمان<sup>(ع)</sup>

---

۱- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۰۳.

در کتابمکیالالمکارم جلد یک، حدود نود فایده با ادله برای دعای  
ظهور حضرت بقیة الله الاعظم<sup>(ارواحنا فدا)</sup> ذکر شده است که ترجمه‌ی  
چند مورد را به عنوان نمونه ذکر مینماییم:

۱. دعا برای تعجیل فرج و ظهور امام زمان<sup>(عج)</sup> موجب زیادی نعمت‌ها میشود.
۲. اظهار محبت باطنی است.
۳. علامت انتظار است.
۴. احیا و زنده نگه داشتن امر ائمه طاهرین است. ۵. موجب نجات از فتنه‌های آخرالزمان میشود.
۶. موجب شفاعت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> میگردد. ۷. موجب اجابت دعا میشود. ۸. موجب دفع بلا میشود.
۹. موجب وسعت رزق میشود. ۱۰. سبب مغفرت الهی می‌شود. ۱۱. سبب طول عمر میشود. ۱۲. دعای پیامبر<sup>(ص)</sup> شامل حال انسان میگردد. ۱۳. کسی که برای تعجیل ظهور دعا کند؛ امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در قیامت در حق این شخص دعا می‌کند.

کند. ۱۴. نور امام در قلبش زیاد می‌گردد. ۱۵- در خواب یا بیداری سبب تشرّف حضرت میشود..<sup>۱</sup>

## داستانی غم‌انگیز در مورد امام زمان (عج)

مرحوم فشنندی تهرانی می‌گوید: در مسجد جمکران اعمال را به جا آورده، به همراه همسرم برمی‌گشتم. در راه، آقای نورانی را دیدم که داخل صحن شده، قصد دارند به طرف مسجد بروند.

با خود گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان تازه از راه رسیده و [حتماً] تشنه است. به طرف سید رفتم و ظرف آبی را به ایشان تعارف کردم. سید ظرف آب را گرفت و نوشید و ظرف آن را برگرداند در این حال عرضه داشتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید تا امر فرج ایشان نزدیک شود! آقا فرمودند: « پیروان ما به اندازه آب خوردنی، ما را نمی‌خواهند. اگر بخواهند، دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد ». این سخن را

---

۱- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵.

فرمود و تا نگاه کردم کسی را ندیدم. فهمیدم که وجود اقدس امام زمان<sup>(عج)</sup> را زیارت کرده‌ام و حضرتش، امر به دعا کرده‌است.<sup>۱</sup>

### وظیفه‌ی پنجم مانسبت به امام زمان<sup>(ع)</sup>

حفظ و احترام نامها و القاب حضرت و حفظ احترام مکانهای منسوب به حضرت مثل مسجد مقدّسجمکران، مسجد سهله و عتبات عالیات و حفظ حرمت حرمله‌های اطهار<sup>(علیهم‌السلام)</sup> و گسترش دادن نام مبارک و القاب حضرت با انتخاب اسامی آن بزرگوار برای فرزندانمان.

### وظیفه‌ی ششم مانسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup>

ذکر صلوات برای امام عصر<sup>(ع)</sup> و آب‌طاهرین و جدّ بزرگوارش رسول اکرم<sup>(ص)</sup>، خواندن زیارت آلیاسین و دعایندبه و صبحها برای

---

۱- شیفتگان حضرت مهدی<sup>(ع)</sup>، احمد قاضی زاهدی، ج ۱، ص ۱۵۵.

سلامتی حضرت تصدق نمودن، صدقه دادن برای سلامتی امام زمان (عج) و نماز هدیه و زیارتنیابتی از طرف حضرت به جا آوردن، این ها ارتباط ما را با حضرت بیشتر میکند.

### وظیفه‌ی هفتم مانسبت به امام زمان (عج)

آراستگی به تقوا و پایداری در انجام واجباتدینی، بدین معنا که مادر انجام واجباتالهیکوتاهینکنیم و به وظایفمان به درستی عمل کنیم و در برآوردن حاجات مؤمنینکوششکنیم و معرفت و بصیرتمان را بالا ببریم و در تربیت بچه هایمان دقت نماییم.

### وظیفه‌ی هشتم مانسبت به امام زمان (عج)

توجه و یاد امام زمان (عج) در زمانهای مخصوص مثل شبهای قدر و دعا کردن برای حضرت در این شبها، دعا برای نصرت

حضرت و محفوظ ماندن آن وجود ذی قیمت از بلایای مختلف در روز جمعه که حضرت در روز جمعه با نور خود دنیا را منور کرده و متولد شده و در روز جمعه طلوع و ظهور خواهد کرد انشاءالله . . .

توجه به حضرت در شب و روز نیمه‌ی شعبان و عصر روز دوشنبه و پنجشنبه که اعمال بندگان به محضرش عرضه میشود.

### وظیفه‌ی نهم ما نسبت به امام زمان (عج)

فضیلت انتظار امام زمان (عج) و ظهور و آمدن آن حضرت حتمی و قطعی است. چنانچه در روایات متواتر به آن تصریح شده است .

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیان شده است: ((

لَوْلَمْ يَبْقِمْتِ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَوا حِدْ طَوَّالَ الْهَدْ لَكَ الْيَوْمَ مَحْتَبِعْتِ بَعْتِ نَفِيْرٍ جُلْمُوْدِ يِيُوَاطِيَا سَمِاسِمِي

مَلَأَهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.)) اگر از عمر دنیا نماند مگر فقط

یک روز، خداوند متعال آن یک روز را طولانی خواهد کرد تا در

آن روز مردی از فرزندان من که نامش هم نام من است مبعوث کند ، او روی زمین را از عدل و داد پر می کند ...<sup>۱</sup>  
انتظار فرج است که به عنوان برترین اعمال امت می باشد.

امام علی<sup>(ع)</sup> می

فرماید: «...الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ دِمَهِ فِ سَبِيلِ اللَّهِ...»<sup>۲</sup> منتظران امر ما (ظهور حضرت) مانند کسانیاند که در راه خدا به خون خود غلتیده‌اند.

## فضیلت انتظار امام زمان<sup>(عج)</sup>

---

۱- ارشاد، حالات امام قائم (عج) به نقل از خاندان وحی ص ۷۴۶ سید علی اکبر قرشی

۲- خصال، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۰۰



از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل است که فرمودند:

مَنَا تَمِينُكُمْ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كُنْهُ وَمَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. تُمْمَكْتُمْ نَبِيئَهُ ثُمَّ قَالَ: لَا  
بَلْ كَمَنْقَارٍ عَمَّهِ سَيْفِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا كُمْ نَاسْتَشْهَدُ مَعْرَسُوا لِلَّهِ<sup>(ص)</sup> ۱.

هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر (قیام قائم<sup>(عج)</sup>) باشد مانند کسی است که به همراه قائم<sup>(ع)</sup> در خیمه او باشد، سپس اندکی مکث کرد و بعد فرمود بلکه مثل کسی است که در رکاب ایشان شمشیر زده باشد. سپس فرمود به خدا سوگند این -ها فقط مثل کسانی هستند که در رکاب رسول خدا<sup>(ص)</sup> به شهادت رسیدند و پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمودند:

«...أَفْضَلًا عَمَّا لَمْ يَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ..»<sup>۲</sup> برترین امور امت منتظر فرج است.

انتظار یعنی مشتاق مقاومت و پایداری و پاسداشت شرافت و کرامت انسانی. انتظار یعنی امید به آینده‌ی روشن و نویدبخش و همواره منتظر حضرت بودن اگر انسان میخواهد از گمراهی در

۱- ترجمه منتخب الاثر فی امام الثانی عشر آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۱۹۳

۲- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۵۵

افکار و اعتقادات نجات پیدا کند و بخواهد با امام عصر (عج) ارتباط پیدا کند باید حالت انتظار را در وجود و درون خود زنده نماید. آمادگی کامل جسمی و روحی در رکاب حضرت را باید در خود مان تقویت نماییم. انتظار بدون محبت و محبت بدون معرفت بیمعناست .

ای دل شیدای ما، گرم تمنای تو

کی شود آخر عیان طلعت زیبای تو

گرچه نهانی زیر چشم، دل نبود ناامید

می رسد آخر به هم چشم من و پای تو

**وظیفه‌ی دهم ما نسبت به امام زمان (عج)**

آماده سازی خود و جامعه و زمینه سازی برای ظهور به این معنی که در جامعه هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببینیم تلاش نماییم موضع آسیب پذیری را ترمیم نماییم و نقاط ضعف را

جبران نماییم، یکی از وظایف مهم منتظران حضرت این است که موقعی که در جامعه فساد زیاد می شود در محیط فساد حل نشود و هم رنگ با محیط نشود و مردم را به مقاومت در برابر فساد دعوت نماید و نگذارد آنان در محیط فساد حل شوند و در آن ها روح امید به آینده ی روشن را بدمد و در اصلاح جامعه بکوشد.

در این جابصورت خلاصه اشاره می گردد به زندگی مردی بزرگ که دین و ایمانش را به دنیا و مظاهرش فروخت و ثابت کرد می - شود در درّه گناه بود اما زنجیرهای شیطان را پاره کرد و بزرگترین آرزویش این بود که تا وقتی زنده است امام زمانش ظهور کند و از یارانش شود .

**این مرد ادواردو آنیلی بود**

اما ادواردو آنیلی که بود؟

ادواردو آنیلی، فرزند جیانیا نیلی، یکی از سرمایه‌داران بزرگ ایتالیایی و مالک سابق مجموعه فیات و مارلا کاراچو بود. او در جوانی به اسلام و سپس به مذهب تشیع گروید.

ادواردو چند بار به ایران سفر و با امام خمینی و آیت‌الله‌خامنه‌ایدیدار کرد. او به زیارت امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز رفت.

گرایش او به اسلام و فعالیت‌های ضد استبدادی‌اش باعث شد که سرانجام در ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ به دست عوامل ناشناس و به طرزی مشکوک به قتل برسد.

جسد او را زیر پل «ژنرال فرانکورومانو» در بزرگراه تورینو به ساوونا یافتند. شواهد حاکی از آن بود که ادواردو از روی پل ۸۰ متری مذکور به پایین پرتاب شده است.

برخی از رسانه‌ها، مرگ ادواردو آنیلی را توطئه ایصه‌یونیستیدانسته‌اند.

در سال ۲۰۰۱ در ایران فیلمی ساخته شد که شواهد و مدارکی دال بر قتل و ترور ادوارد و آنیلی، به دست صهیونیست‌ها، ارائه کرد.

### بخشی از کتاب من ادواردو نیستم :

"حتماً در تاریخ خوانده‌اید. مشرکان مکه رفتند پیش پیامبر. به پیامبر گفتند: ای محمد<sup>(ص)</sup>، ما هر چه خواهی به تو می‌دهیم. هر چقدر پول و ثروت و مال و منال خواهی به تو می‌دهیم. هر پست و مقامی هم خواهی به تو می‌دهیم. اصلاً تو را می‌گذاریم رئیس‌مان. تو را می‌گذاریم سرورمان. فقط یک شرط دارد. آن هم این که دست از آئینت برداری. پیامبر اخم‌هایش را تویهم کرد. همان‌جا آبِ پاکی را ریخت روی دست مشرکان. بهشان گفت: به خدا قسم اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارید که دینم و رسالتم را رها کنم، هرگز این کار را نخواهم کرد!

می بینی چه پیامبری داری؟ می بینی چه ولی و پیشوایی داری؟  
با خودت می گویی بین چه جور دل از دنیا گنده که دنیا توی  
نگاهش شده هیچ، شده پوچ.

یک لحظه بایست. یک لحظه توقف کن! من کسی را می شناسم  
که یک قطره از اقیانوس بی پایان رسول الله (ص) در کام او ریخته  
شد و همچون پیامبر به دنیا و همهی مافیہ، پشت پا زد.  
شهید ادواردو آنیلی را می گویم. کسی که پدرش صاحب  
کارخانجات عظیم ماشین سازیات بود و یکی از  
ثروتمندترین انسان های دنیا. می دانید استانش چیست؟ در چند  
خط.

قرار بود ثروتی که تو توی خوابت هم نمی بینی، یکجا به او برسد.  
ثروتی معادل سه برابر درآمد نفتی ایران. می دانی یعنی چه؟!  
یعنی سه برابر پول کشور نفت خیزمان، ریخته شود توی جیب  
یک نفر. فقط و فقط توی جیب یک نفر!

اما... اما این شرط دارد. شرطش هم دست برداشتند ادواردو از  
ایمانش و اعتقادش بود. اما او از پیامبرش الگو گرفته بود و

همچون رسول الله (ص) به مشرکان زمانه‌اش گفت: اگر صد برابر این ثروت را هم در دست من بگذارید دست از اسلامم و پیامبرم بر نمی‌دارم.

او می‌دانست این کارها به ضررش تمام می‌شود و آخرش او را می‌کشند، اما بارها به دوستانش گفته بود: من خود را برای شهادت آماده کرده‌ام و می‌دانم روزی من را خواهند کشت! خلاصه کنم. این کتاب خاطرات کوتاه از مردی است که دین و ایمانش را به دنیا و مظاهرش فروخت.

مردی که ثابت کرد می‌شود در درّه گناه بود، اما زنجیرهای شیطان را پاره کرد و تا اعلیٰ علیین بهشت پرواز کرد. مردی که بزرگ‌ترین آرزویش این بود که تا وقتی زنده است امام زمانش ظهور کند و از یارانش شود.<sup>۱</sup>

ادواردو جمله زیبایی دارد راجع مکتب شیعه. می‌گوید: شیعه تک است و چیزی دارد که هیچ مکتبی ندارد آن هم وابستگی به اهل بیت (ع) است.

---

۱- کتاب من ادواردو نیستم، ص ۴.

## روی جانان طلبی، آئینه را قابل ساز

شما آیا احتمال نمی دهید همین چشمی که انسان دارد یک لذتی داشته باشد مافوق تمام لذت (خوردن و آشامیدن و...) چشم از دیدنی ها از گل و ریاحین و از دشت و از صحرا لذت می برد آیا تصور نموده اید اگر این چشم بر رخسار درخشان و دل انگیز امام زمان اروحنافداه بیفتد چه لذتی می برد. آیا قابل قیاس است؟

بلی چشمی که روزی چندین بار از صورت زنهای بی حجاب و بد حجاب عکس برداری کند مسلماً لیاقت دیدن جمال نورانی امام زمان (عج) را ندارد زیرا آن چشم مرده و کور است، گوش که همواره صدای جان خراش ساز و آوازهای مطرب و زنان رقاصه و بد حجاب را بشنود و گوش فرا دهد آن گوش که استعداد صدای دلنواز و جانبخش امام زمان (عج) را بشنود؟ قلبی که



مرکز امر و نهی شیطان بشود کی ممکن است رخسار یار در آن تابش کند و مسکن او بشود.

## چرا ما امام زمان را نمی‌بینیم!؟

روزی یکی از شاگردان علامه طباطبایی خدمت ایشان آمد و عرض کرد: جناب استاد لطفاً خیلی مختصر بفرمایید چرا ما امام زمان را نمی‌بینیم. علامه فرمودند: لطف‌آبر گردید و پشت به من بنشینید. شاگرد علامه این کار را انجام داد. علامه فرمودند آیا الان من را می‌توانید ببینید، شاگرد عرض کرد خیر نمی‌توانم ببینم، علامه فرمودند چرا نمی‌توانی من را ببینی، شاگرد عرض کرد چون پشت من به شماست، علامه فرمود حالا متوجه شدید چرا امام زمان <sup>(عج)</sup> را نمی‌بینید، چون شما پشتتان به امام زمان <sup>(عج)</sup> است. با گناهان و نافرمانی‌ها پشتتان را به امام زمان <sup>(عج)</sup> کرده‌ایم و در عین حال تقاضای دیدار امام زمان <sup>(عج)</sup> را داریم!!!

البته در بخش دوم این کتاب چند مورد از وظایف ما که نسبت به حضرت حجّت <sup>(ع)</sup> ذکر شده همه‌ی وظایف ما نبوده بلکه وظایف

ما بیشتر از اینها است. ما به عنوان نمونه چند مورد را ذکر کردیم. باید تلاش بکنیم عشق و محبتمان را به مولایمان بیشتر نماییم. این شخصیت با عظمتی که امام صادق<sup>(ع)</sup> آرزومند خدمتگزاری اوست که امام صادق<sup>(ع)</sup> می فرمایند:

«لَوْ أَدْرَكْتُهَا لَخَدَمْتُهَا أَيَّامَ حَيَاتِي»<sup>۱</sup> اگر او امام زمان<sup>(ع)</sup> را ببینم و حیات او را درک کنم تمام ایام عمرم را به او خدمت خواهم کرد.

خداوند إنشاءالله ما را از محبتان و شیعیان حضرت صاحب الامر مقرر فرماید و ما را در محضر ایشان سربلند فرماید و سرافکننده و شرمنده نفرماید و ما را مشمول دعاهاى با برکتش قرار دهد و چشمان ما را به نور درخشان ترین و زیباترین ستاره اشمنور و روشن فرماید چنانکه زمین را به نور حضرتش روشن خواهد کرد . چنان که در سوره ی مبارک کهیز مرآیه ۶۹ میفرماید:

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» زمین روشن و منور میشود به نور پروردگار که منظور نور وجود امام زمان<sup>(ع)</sup> است.

---

۱- موسوعه ی کلمات امام حسین<sup>(ع)</sup>، ص ۶۶۰ در انتظار خورشید.

«.. وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ»<sup>۱</sup> و زمین به نور شما روشن گردید.

گل نرگس فدای رنگ و بوییت  
نصیبم کی شود دیدار رویت

### آمادگی برای ظهور

از همین الان تمرین را شروع کنید.

چند باره ، چند بار تمرین کنید

حالا که این جان شسته اید وضعیت زندگی تا برابر بسازید.

خُلق خویمن چگونهاست؟ تند خواهستم؟ غضبمی کنم؟ عصبانیمی

...شوم؟ قهرمی کنم؟

حالا هر چه هست در ذهن تیاور و بر و اصلاح کن. دست خود تا ناست.

بهد خدا قسم ظهور نزدیک است، اصلاح کنید؛ وقتی ما مزمانار و احنافدا هبه

شمانگاهی کنند شاد شوند و بفرمایند: آفرینا حسن تبشیه یمن.

---

۱- زیارت جامعه کبیره.

به ظاهر ت که نگاه می کنند امام زمانی باشد.

به عملت نگاه می کنند تمامش عمل خیر و نیت الهی باشد.

به قلبت که نگاه می کنند بفرمایند: به به چه صفاتی.

## نتیجه گیری بخش دوم :

وجود مبارک امام همیشه منجر به رحمت الهی بر شیعیان بوده و فرقی نمی کند که از چه صنف و گروهی از چه نژادی باچه شغلی باشی تنها ملاک برتری و نزدیکی و تقرب به درگاه الهی و شرف یابی به حضور ایشان ایمان، تقوا و عمل صالح است در گروه این اعمال است که می توان به ایشان تقرب یافت هر کس گامی در راه رسیدن به ایشان بر دارد وجود نازنینشان خود مسیر و راه را به سالک نشان می دهد یادمان باشد که ایشان نه تنها ولیّ نعمت ما هستند ناظر بر اعمال ما نیز هستند پس با اعمال شایسته قلب ایشان را از خود راضی و خشنود کنیم

## بخش سوم:

نمونه ای از عنایات امام عصر (عج)  
به متوسلین

## تشرّف آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی به محضر امام زمان (عج)

آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۲۸۴ قمری در دهکده کوچک مدیسه لنجان پا به عرصه وجود نهاد.

آیت الله سیّد محسن امین جبل عاملی درباره آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی می گوید: در سال ۱۳۵۲ قمری به عراق سفر کردم او را مورد ارزیابی قرار دادم. دیدم مردی است دارای فکری بزرگ که میدان اندیشه اش وسیع است در علم فقه بسیار وسعت دارد. دورنگر و ژرف اندیش است و بسیار موقعیت شناس است .

بر همه مردم، شفیق و مهربان و دارای سخاوتمندی و سیاستی بزرگ است. و همین ویژگی ها باعث شده ریاست و زعامت عامه شیعیان را به دست گیرد، چون شایستگی چنین منصب و مقامی را دارد ...

سیّد ابوالحسن اصفهانی در اوائل بلوغ در سن ۱۴ سالگی به اصفهان آمد و در مدرسه صدر حجره ای گرفت و به درس و بحث مشغول شد، شبی از شب های زمستان وقتی پدرش برای دیدن فرزند خود به حجره او می آید، با وضع ناهنجاری مواجه می شود، حجره او را خالی از هرگونه وسایل ابتدایی برای زیستن می بیند، نه فرش، و نه گلیم و زیر اندازی،

و نه چراغی برای روشن کردن حجره! با سخنان سرزنش آمیز به سید ابوالحسن می گوید:

«نگفتم طلبه نشو، گرسنگی دارد، محرومیت و فقر دارد؟»

او بس که در این زمینه سخن می گوید، فرزند آزرده خاطر می شود و در این لحظه که سخت دگرگون شده بود، به طرف قبله می ایستد و امام زمان زمان<sup>(عج)</sup> را مورد خطاب قرار می دهد و با چشمان اشکبار و لحنی ملتسانه می گوید: «آقا عنایتی کنید تا نگویند شما آقا ندارید.»

لحظاتی می گذرد که فردی ناشناس در مدرسه صدر را می زند وقتی خادم مدرسه در را باز می کند فرد ناشناس سراغ سید ابوالحسن را می گیرد، خادم سید را صدا می زند، سید ابوالحسن در مقابل سیدی خوش سیما رو به رو می شود که پس از دلجویی از سید ابوالحسن به او پنج قران (پول آن زمان) می دهد و می گوید: شمعی نیز در طاقچه حجره است، آن را بردار و روشن کن تا نگویند شما آقا ندارید.

شخص ناشناس با این سخن خداحافظی می کند و می رود، سید ابوالحسن به حجره برگشته و ماجرا را برای پدر تعریف می کند، سید محمد (پدر ابوالحسن) نیز مانند او دچار بهت و حیرت می شود، اشک از

چشمانش سرازیر می‌شود و فرزندش را در آغوش می‌گیرد و بوسه‌های چند بر صورت گلگونش می‌زند و با قلب شاد باز می‌گردد.

یکی دیگر از عنایت‌های امام عصر زمان<sup>(عج)</sup> به سید ابوالحسن اصفهانی توقیعات و نامه‌های شریفی است که برای آن بزرگوار صادر می‌کند، و می‌فرستند بدین ترتیب ایشان را تحت عنایت خاصه خودش قرار می‌دهند و او را به الطاف و عنایاتشان می‌نوازند. متن توقیع و نامه امام زمان ارواحنا فداه به آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی چنین است. «خودت را برای مردم ارزان کن و خودت را در دسترس همه قرار بده و محل نشستنت را در دهلیز خانه‌ات انتخاب کن تا مردم سریع و آسان با تو ارتباط داشته باشند حاجت‌های مردم را برآور ما یاریت می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

## علامه حلی و بوسه بر خاک پای امام زمان (عج)

علامه حلی، از رجال برجسته و علمای بزرگوار شیعه است ایشان هر هفته از حله با پای پیاده به سوی کربلا راه می‌افتاد تا فضیلت زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> را در شب جمعه درک نماید. آن

---

۱- شناخت نامه، آیت الله سید ابوالحسنی اصفهانی



بزرگوار، طی سفری از حله به کربلا، به محضر امام عصر (عج) می -  
رسند، اما حضرت را نمیشناسند. در طول مسیر، عصا از دست  
علامه به زمین میافتد. امام زمان ارواحنا فداه<sup>۱</sup> خم میشوند، عصای  
علامه را بر میدارند و به دست ایشان میدهند در همین هنگام  
سؤالی در ذهن علامه القاء می شود و از محضر امام (ع) میپرسد:  
آیا در این عصر و زمان که غیبت کبری است، میتوان حضرت  
صاحب الامر (عج) را دید یا نه؟  
حضرت در پاسخ علامه میفرمایند: چگونه صاحب الزمان را نمی -  
توان دید و حال آن که دست او هم اکنون در دست توست؟!<sup>۱</sup>

## انصاف و فتح باب ملاقات

یک آقای بود در نجف، خیلی علاقه داشت که خدمت آقا امام  
زمان (عج) برسد. چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفت دید  
خبری نشد. چهارشنبه اول، چهارشنبه دوم، چهارشنبه سوم، دید  
فایدهای ندارد، خبری نشد، گفت برویم .

۱- قصص العلماء، محمدبن سلیمان، تنکابنی و گلشن ابرار، ج ۱، ص ۱۳۷

علوم رمل و جفر و اُسطرلاب و علوم غریبه را یاد بگیریم. با علوم غریبه جای امام زمان<sup>(عج)</sup> را پیدا کنیم. مشغول فراگیری علوم غریبه شد. باز دید با علوم غریبه هم نمی‌تواند بفهمد جایگاه امام زمان<sup>(عج)</sup> کجاست. شروع کرد به گریه کردن و گفت: آقا جان ما مسجد سهله آمدیم به ما نگاه نکردی، سراغ علوم غریبه آمدیم به ما توجه نکردی، آقا جان از هر دری آمدم نشد، شب در عالم رویا خوابی دید. حضرت فرمودند: فلانی اگر می‌خواهی موفق شوی مرا ببینی و کلید دیدار را پیدا کنی، بلند شو بیا تبریز. در بازار تبریز یک پیرمرد قفل ساز هست. من گاهی به مغازه آن پیرمرد می‌روم. اگر می‌خواهی مرا ببینی و رمز ملاقات را پیدا کنی بلند شو بیا، من در مغازه آن پیرمرد هستم. از خواب بیدار شد. با خود گفت الحمدلله در رویا خدمت آقا رسیدیم، آدرس را هم که آقا به ما داد. بالاخره وسایل را جمع کرد و مهیای سفر شد. وارد شهر تبریز شد، سراغ بازار قفل فروشان و قفل سازان را گرفت. آدرس را به او دادند. آمد بازار، وارد مغازه پیرمرد شد. دید پیرمرد نشسته، یک آقای جوانی هم

که چهره اش همانند ماه شب چهارده درخشندگی دارد، داخل مغازه پیرمرد نشسته است و با یکدیگر مشغول صحبت هستند. اما غافل است از اینکه این آقای جوان حضرت است. (حضرت در ذهن او تصرف کرده است که فعلاً حضرت را نشناسد، نمی‌خواهد فعلاً حضرت را بشناسد).

میگوید وارد مغازه شدم، من هم کنار جوان نشستم، دیدم پیرزنی وارد مغازه شد. سلام کرد و جواب سلام گرفت. رو به پیرمرد گفت: آقا ببخشید این قفل را من آورده‌ام، به پولش نیاز دارم. این قفل را از من به چند می‌خری؟ پیرمرد قفل را گرفت و نگاه کرد و گفت: مادر اگر بخواهی این قفل را بسازم یک شاهی از تو میگیرم. قفل ساخته می‌شود و قیمتش می‌شود هشت شاهی. اگر می‌خواهی قفل را همینطور بفروشی قیمتش هشت شاهی است، من از شما به هفت شاهی می‌خرم، یک شاهی استفاده برای من.

پیرزن تعجب کرد و پرسید: مرا مسخره میکنی؟ پیرمرد گفت: «أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ». پیرزن گفت: از اول بازار تا اینجا

این قفل را به هر مغازه‌ای بردم بیشتر از دو شاهی از من  
نخریدند، در صورتی که من به سه شاهی هم راضی بودم، اما  
شما به هفت شاهی از من میخری؟! پیرمرد گفت:  
دروغ نمی‌گوییم، قفل را بده پولش را بگیر.  
قفل را گرفتم. هفت شاهی را به پیرزن داد. پیر زن رفت. آن  
جوان رو به من کرد و گفت: فلانی! چند نفر در میان کاسبان و  
مغازه داران مثل این پیرمرد سراغ داری که این قدر اهل انصاف  
باشد، سر مردم کلاه نگذارد، طالب دنیا نباشد؟ چند نفر سراغ  
داری که از دنیا گذشته باشند و اهل انصاف باشد؟ گفتم: آقا یک  
نفر هم سراغ ندارم، این اولین کسی است که میبینم اینقدر اهل  
انصاف هست. آن گاه حضرت فرمود: فلانی نمی‌خواهد خودت را  
خسته کنی و این در و آن در بزنی، نمی‌خواهد چله نشینی کنی،  
نمی‌خواهد بروی جفر و رمل و ... را یاد بگیری، این ها به درد  
نمی‌خورد، این ها افسانه و خیالات است، برو خودت را بساز مثل  
این پیرمرد. از سر سفره دنیا برخیز، اهل ایثار باش، دنیا را طلاق  
بده، تو که جای ما را بلد نیستی. من به سراغت می‌آیم.

تو به صدق متّصف شو به صفات اهل تقوا  
به سراغ تو من آیم تو مگو چرا نیایی  
میگوید: یک مرتبه دیدم آن جوان از دیدگانم مخفی شد.  
فهمیدم که آقا امام زمان (عج) بود.<sup>۱</sup>

## من خودم به دیدار شما می آیم

از آیت الله العظمی بهجت نقل می کنند که میفرمودند:  
در تهران استادی بود که در یکی از مدارس حوزوی، لمعتین  
تدریس میکرد و شاگردی داشت که از لحاظ استعداد درسی  
خیلی عالی نبود. اما باطن صافی داشت و کارهای خارق العاده  
ای از او دیده و شنیده میشد. روزی چاقوی قلم تراشی استاد  
که خیلی به آن علاقه داشت گم شد و هر چه گشت آن را پیدا  
نکرد به تصور آنکه بچه هایش چاقو را برداشته و گم کرده اند،  
نسبت به بچه ها و خانواده عصبانی بود. مدتی بدین منوال  
گذشت و چاقو پیدا نشد و جناب استاد نیز عصبانی بود و اهل

---

۱- ارتباط معنوی با امام زمان (عج)، سرمایه سخن، شیخ ابراهیم آیتی

منزل را مقصر می دانست . روزی آن شاگرد بعد از درس بدون مقدمه به استاد گفت : آقا، چاقویتانرا در جیب جلیقه کهنه خود گذاشتهاید و فراموش کردهاید. بچه ها چه گناهی دارند؟ استاد یادش آمد و تعجب کرد که آن طلبه چگونه از آن موضوع اطلاع داشته است؟ به این ترتیب، دیگر یقین کرد که یا در اثر تهذیب به جایی رسیده است یا با اولیای خدا در ارتباط و سرو کار دارد.

روزی بعد از پایان درس که اتاق خلوت شد بعد از تمهید مقدمات و صحبت‌های طولانی به او گفت: آقای عزیز، مسلم است که شما با جایی ارتباط دارید؟ به من بگوئید خدمت امام زمان (عج) مشرف می شوید؟ استاد اصرار می کند و شاگرد ناچار می شود جریان تشریف خود به خدمت امام زمان (عج) را به او بگوید. استاد میگوید: عزیزم این بار وقتی مشرف شدید، سلام بنده را برسانید و بگوئید اگر صلاح میدانند، چند دقیقه ای اجازه تشریف به بنده حقیر بدهند. مدتی گذشت و آقای طلبه چیزی نگفت و استاد هم از ترس این که جواب منفی باشد، جرأت نکرد از او سوال کند ولی به جهت طولانی شدن مدت،

صبرش تمام شد و روزی به شاگردش گفت: آقای عزیز از عرض پیام من خبری نشد؟ دید که طلبه تعلل می کند و نمیخواهد چیزی بگوید و عذر می آورد. گفت: عزیزم خجالت نکش. آنچه فرموده‌اند به حقیر بگو، چون شما قاصد پیام بودی، (و ما علی الرسول الا البلاغ المبین).<sup>۱</sup>))

طلبه با خجالت و ناراحتی گفت: آقا فرمودند: لازم نیست ما به شما چند دقیقه وقت ملاقات بدهیم، شما تهذیب نفس کنید من خودم نزد شما می‌آیم.<sup>۲</sup>

جمال یار ندارد نقاب چهره ولی  
غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد  
آئینه شو، جمال پری طلعتان طلب  
جاروب کن تو خانه پس میهمان طلب

---

1-سوره عنکبوت / آیه ۱۸

2- بر پای منبر، ص ۱۱۲، شیخ جواد باقری بنابی و برگی از دفتر آفتاب، ص ۲۱۵.

## امام زمان (ارواحنا فداه) در کنار جنازه بانوی باعفت

در عصر حکومت رضا قلدر، یکی از علمای ربانی مشهد، مرحوم آیت الله سید باقر سیستانی، سعی بسیار داشت تا به محضر مبارک امام زمان حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup> شرفیاب گردد، او برای رسیدن به این سعادت عظمی، تصمیم گرفت چهل جمعه در مسجدی زیارت عاشورا بخواند، به این تصمیم عمل کرد و هر جمعه به قرائت زیارت عاشورا به طور کامل ادامه داد، او خود می‌گوید:

در یکی از جمع‌های آخر که در یکی از مساجد مشغول زیارت عاشورا بودم، ناگاه شعاع نوری را از خانهای در نزدیکی آن مسجد دیده می‌شد مشاهده و حالت معنوی عجیبی پیدا کردم، از جا برخوامم و به دنبال آن نور رفتم، خود را نزدیک آن خانه رساندم، دیدم نور عجیبی از داخل خانه می‌درخشد، در را زدم و با اجازه وارد شدم، دیدم حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup> در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند و در آن اتاق جنازه‌ای را مشاهده نمودم



که پارچه سفیدی روی آن کشیده بودند، منقلب شدم، در حالی که اشک از چشمانم سرازیر بود به آقا امام زمان (عج) سلام کردم، آقا جواب سلام مرا داد و فرمود:

چرا اینگونه دنبال من می‌گردی؟ و آن همه رنج را تحمل می‌کنی؟ مثل این (اشاره به جنازه) باشید تا من به دنبال شما بیایم.

پس فرمود: این جنازه، جنازه بانویست که در عصر کشف حجاب (رضاخان) هفت سال (برای حفظ عفت خود از گزند درندگان حکومت رضا قلدر) از خانه بیرون نیامد تا مبادا نامحرم او را ببیند<sup>۱</sup>.

## تشرّف آیت الله نخودکی اصفهانی به محضر امام

زمان (عج)

فرزند ایشان گفته‌اند که امام جمعه خلخال نقل کردند: در مشهد بودم و در مدرسه فاضل خان خدمت حاج شیخ تلمذ می‌نمودم.

---

۱- بهشت جوانان، ص ۴۲۶، اسدالله محمدی نیا .

یک روز که از مدرسه خارج می‌شدم دیدم مرحوم حاج شیخ خیلی مؤدّب حضور سیّدی بزرگوار و باهویت ایستاده‌اند و صحبت می‌کنند، خواستم نزدیک شوم نتوانستم، مدتی صحبت کردند. آقا رفتند حاج شیخ هم رفتند. بعد از چند روز مرحوم شیخ داخل مدرسه می‌شدند من هم می‌خواستم خارج شوم به همان نقطه که آن سید بزرگوار در آن روز ایستاده بودند رسیدم به زمین افتادم و زمین را بوسیدم. مرحوم حاج شیخ از من پرسیدند: این چه کاری بود که کردی؟ آنچه دیده بودم نقل کردم و عرض کردم من یقین دارم که ایشان حضرت حجّت (عج) بودند. لذا محل پای ایشان را بوسیدم. فرمودند: اگر تا من زنده هستم این واقعه را نقل کنی کور خواهی شد و دیگر سخنی نگفتند<sup>۱</sup>.

---

۱- نشان از بی نشانها، علی مقدادی اصفهانی، ج ۲، ص.

## اجابت فوری دعا

مرحوم حاج شیخ حسنعلیه دیدن یکی از رفقا می‌رود که تب شدیدی داشته است، ایشان به تب می‌گویند که خارج شو از بدن فلان به اذن الله و می‌فرماید قلبانی بیاورید تا بکشم خارج می - شود، پس تب از بدن بیمار خارج شده عافیت پیدا میکند . سپس به ایشان گفتند شما چگونه به این جزم توانستید بگویید؟ فرمود: چون من به مولای خود و آقای خود امام زمان<sup>(عج)</sup> خیانت نکرده‌ام و یقین داشتم که او آبروی خادم امین خود را حفظ میکند .<sup>۱</sup>

## پاداش خدمت به زائر

حضرت آیت الله محمد رازی که از شاگردان درس اخلاق مرحوم حاج شیخ محمد تقی بافقی میباشد نقل فرمودند که: استادمان مرحوم آقای بافقی به خادمش دستور داده بود که شبها در خانه را باز بگذارد و مواظب باشد که اگر کسی مراجعه

---

۱- همان ، ص ۶۰ .

کرد به او جواب مثبت دهد و حتی اگر لازم شد در هر موقع شب که باشد او را بیدار کند تا کسی بدون دریافت جواب از در خانه او برنگردد.

خادم ایشان گفت: شبی در اطاق خودم که کنار در حیاط منزل بود خوابیده بودم که ناگهان صدایی در داخل خانه مرا از خواب بیدار کرد، من فوراً به حیاط رفتم و جوانی را در حیاط دیدم ناگهان مرحوم بافقی از داخل اطاق صدا زد حاج عباس او یونس ارمنی است و با من کار دارد، او را راهنمایی کن که نزد من بیاید.

مرحوم بافقی تا او را دید بدون هیچ سوالی به او گفت: أحسنت، میخواهی مسلمان شوی؟ او هم سریع گفت: بله، برای تشرّف به اسلام آمدهام.

به هر حال شیخ آداب و شرائط را برای او گفت و او مسلمان شد و وقتی من از او علت اسلام آوردنش را جويا شدم گفت: من اهل بغدادم و ماشین باری دارم، یک روز از بغداد به سوی کربلا می-رفتم کنار جاده پیرمردی را دیدم که از تشنگی نزدیک بود

هلاک شود، فوراً بر بالای سرش رفتم و او را آب دادم و سوار ماشین کردم و به کربلا رساندم. او هم به من گفت برو جوان حضرت ابوالفضل اجر تورا بدهد.

پس از چند روز باری به من دادند که به تهران بیاورم، امشب در تهران خوابیده بودم که در عالم رؤیا شخصی سوار بر اسب دیدم که میگوید: من ابوالفضل العباس هستم، آمدم حقی که به ما پیدا کردی به تو بدهم. گفتم: چه حقی؟ فرمود حق زحمتی که برای آن پیرمرد که زائر ما بود کشیدی. سپس فرمود: وقتی از خواب بیدار شدی به شهر ری میروی، شخصی تورا به منزل آقا شیخ محمدتقی بافقی میبرد و نزد ایشان تو مسلمان میشوی. من هم به ری آمدم و همان شخصی را که به من گفته بود دیدم که مرا تا این جا راهنمائی کرد.

وقتی از مرحوم بافقی سوال کردیم شما چگونه او را میشناختید و میدانستید که او آمده تا مسلمان شود، فرمودند: آن کسی که

او را تا اینجا هدایت کرد یعنی امام زمان (عج) به من هم فرمود  
که او می‌آید و چه نام دارد و چه می‌خواهد.<sup>۱</sup>

### کرامتی از امام زمان (عج)

برای پاسخ به چرایی این همه ثواب به زائرین و گریه کنندگان  
امام حسین (ع) کرامت ذیل را بخوانیم:

نقل کرده‌اند: علامه بحرالعلومکه بارها توفیق تشریف به محضر امام  
زمان علیه السلام را پیدا کرده بود، یک روز به قصد تشریف به  
سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه، راجع به این مسأله که گریه  
بر امام حسین (ع) گناهان را می‌آمرزد، فکر می‌کرد همان وقت  
متوجه شد که شخص عربی، سوار بر اسب به او رسید و سلام  
کرد بعد پرسید: جناب سید درباره‌ی چه چیز به فکر فرو  
رفته‌ای؟ و در چه اندیشه‌ای؟ اگر مسأله علمی است بفرمائید

---

۱- ملاقات با امام زمان (عج)، ص ۲۳۸، سید حسن ابطحی

شاید من هم اهل باشم؟ سید بحر العلوم گفت: در این باره فکر می‌کنم که چطور می‌شود خدای تعالی این همه ثواب به زائرین و گریه‌کنندگان بر حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> می‌دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت برمی‌دارد، ثواب یک حجّ و یک عمره در نامه عملش نوشته می‌شود و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره‌اش آمرزیده می‌شود؟

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل حل شود. سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می‌رفت. در شکارگاه از همراهانش دور افتاد (و گم شد) و به سختی فوق‌العاده‌ای افتاد و بسیار گرسنه شد. خیمه‌ای را دید و وارد آن خیمه شد. در آن سیاه چادر، پیرزنی را با پسرش دید، آنان در گوشه خیمه «بُز شیردهی» داشتند و از راه مصرف شیر این بز، زندگی خود می‌گرداندند. وقتی سلطان وارد شد او را نشناختند ولی به خاطر پذیرایی از میهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد از ایشان جدا شد و به هر

طوری که بود خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد. از درباریان سؤال کرد: اگر بخواهم پاداش میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حاضران گفت: به او صد گوسفند بدهید. دیگری که از وزرا بود گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید.

سلطان گفت: هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام، چون آن‌ها هر چه را که داشتند به من دادند. من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر به سر شود.

آن سوار عرب به سید بحرالعلوم فرمود: حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و برادر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد؛ پس اگر خداوند به زائرین و گریه‌کنندگان، آن همه اجر و ثواب بدهد نباید تعجب نمود، چون خدا که خدائیش را نمی‌تواند به سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> بدهد، پس هر کاری که می‌تواند انجام می‌دهد؛



یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خودش، به زوار و گریه  
کنندگان آن حضرت، درجاتی عنایت می‌کند. در عین حال،  
این‌ها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی‌داند. وقتی  
آن شخص عرب، این مطالب را فرمود، از نظر سید بحر العلوم  
غایب شد.<sup>۱</sup>

### بیست سفر حج برای دیدار ...

علی بن مهزیار - که قبرش در اهواز و زیارتگاه عموم است  
میگوید: نوزده سفر هر سال به مکه مشرف می‌شدم تا شاید  
خدمت حضرت ولی عصر<sup>(ع)</sup> برسم؛ ولی در این سفرها هرچه  
بیشتر تفحص میکردم کمتر موفق به اثر یابی از آن حضرت  
میگردیدم، بالاخره مأیوس شدم و تصمیم گرفتم که دیگر به مکه  
نروم. وقتی که دوستان عازم مکه بودند به من گفتند: مگر امسال  
مشرف نمیشوی؟ گفتم: نه امسال گرفتاری‌هایی دارم و قصد  
رفتن به مکه را ندارم. شب در عالم خواب دیدم که به من گفته  
شد امسال، سفرت را تعطیل نکن که ان شاء الله به مقصودت

---

۱- روضه الواعظین، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ - برکات حضرت ولی عصر (عج) (العبقری الحسان)، ص ۱۳۶ .

خواهی رسید. من با امیدی مہیای سفر شدم. وقتی رفقا مرا دیدند تعجب کردند؛ ولی به آنان چیزی نگفتم تا آن کہ به مگہ مشرف شدہ و اعمال حج را انجام دادم. در این مدت دائماً در گوشہ ی مسجد الحرام تنها مینشستم و فکر میکردم. گاہی با خود میگفتم: آیا خوابم راست بودہ یا خیالاتی بودہ است. روزی در گوشہای نشستہ بودم، دیدم دستی بر شانہام خورد. شخصی بہ من سلام کرد و گفت اہل کجایی؟ گفتم: اہل اہواز گفتم: علی بن مہزیار را میشناسی؟ گفتم: بلہ خودم ہستم. گفت: اہلاً و مرحباً ای پسر مہزیار! تو خیلی زحمت کشیدی برای زیارت مولایت حضرت بقیۃ اللہ (عج) بہ تو بشارت میدہم کہ در این سفر بہ زیارت آن حضرت موفق خواهی شد. برو با رفقای خداحافظی کن و فردا شب در شعب ابی طالب بیا کہ من منتظر تو ہستم تا تورا خدمت آقا ببرم. من با خوشحالی فوق العادہ بہ منزل رفتم و وسایل سفرم را جمع کردم با رفقا خداحافظی نمودہ، گفتم: باید چند روزی بہ جایی بروم. آن شب بہ شعب ابی طالب رفتم و دیدم او در انتظار من است. ہر دو سوار شتر شدیم و از کوہهای

عرفات و منا گذشتیم و به کوههای طائف رسیدیم. او به من گفت: پیاده شو تا نماز شب بخوانیم. من پیاده شدم و با او نماز شب خواندم باز سوار شدیم و به راه خود ادامه دادیم تا طلوع فجر دمید. پیاده شدیم و نماز صبح را خواندیم. من از جا حرکت کردم و ایستادم هوا قدری روشن شده بود. به من گفت: بالای آن تپه چه می بینی؟ گفتم: خیمهای میبینم که تمام این صحرا را روشن کرده است. گفت: بله درست است، منزل مقصود همان جاست آن وقت گفت: برویم. با او تا نزدیک خیمه رفتیم، به من گفت: تو صبرکن. خودش قبل از من وارد خیمه شد و چند لحظه بیشتر طول نکشید که بیرون آمد و گفت: خوش به حالت، به تو اجازه ملاقات دادند، وارد شو. من وارد خیمه شدم، دیدم آقای بسیار زیبا، با کمال ملاحظت و محبت احوال مرا پرسید و فرمود: پدرم با من عهد کرده که در شهرها منزل نکنم؛ تا موقعی که خدا بخواهد در کوهها و صحراها بسر ببرم تا از شرّ طاغوتها محفوظ باشم تا وقتی که خدا اجازه فرجم را بدهد.

من چند روز میهمان آن حضرت در آن خیمه بودم و از انور و علومش استفاده میکردم تا آنکه خواستم به وطن برگردم، مبلغ پنجاه هزار درهم داشتم، خواستم به عنوان سهم امام تقدیم حضورش کنم. حضرت قبول نکرد و فرمود: ناراحت نشو؛ چون تو راه دوری در پیش داری و این پول مورد احتیاج تو خواهد بود. خداحافظی کرده به طرف اهواز حرکت نمودم و همیشه به یاد آن حضرت و محبت‌های او هستم آرزو دارم باز هم آن حضرت را ببینم.<sup>۱</sup>

## داستان شنیدن مقام صاحب الزمان (عج) در حلّه

مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی از مرحوم آقا سید علی اکبر موسوی خویی پدر بزرگوار مرجع عالیقدر شیعه آیت الله سید ابوالقاسم خویی نقل کرده‌اند زمانی از نجف اشرف به حلّه سفر کردم، هنگام عبور از میان بازار، چشمم به قبه مسجد ماندی

---

۱- بحار الانور، ج ۱۳، ص ۳۵۸-۳۶۱. (تلخیص توسط نگارنده)

افتاد که بر سر در آن نوشته بود: هذا مقام صاحب الزّمان من از اهالی حلّه علت نامگذاری آن را جويا شدم. همگی به اتفاق آراء گفتند اینجا خانه عالمی با تقوا به نام شیخ علی بوده که همیشه در انتظار ظهور حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> به سر می برده است، او پیوسته نسبت به امام زمان<sup>(عج)</sup> عتاب و خطاب میکرد و میگفت: اینغیبت از انظار در این زمان برای چیست؟ در حالیکه مخلصین شما در شهرها و اقطار عالم همچون برگ درختان و قطره‌های باران فراوان هستند. در همین شهر خودمان، شیفتگان و دوستان شما بیش از هزار نفرند. پس چرا ظهور نمی فرمائید تا دنیا را پر از قسط و عدل نمائید؟ تا آن که روزی شیخ علی با همان حال سر به بیابان نهاد و همان سخنان را آغاز کرد که ناگهان دید عربی بیابانگرد نزد او حاضر است و به او فرمود: جناب شیخ؛ به چه کسی این همه خطاب می کنی؟ عرض کرد: خطابم به امام زمان<sup>(ع)</sup> است .

آقا فرمودند: ایشیخ، صاحب الزّمان من هستم، با من این همه عتاب و خطاب نکن!! اگر سیصد و سیزده نفر اصحاب موجود بودند، من

ظاهر میشدم، در همین شهر حله کهمیگویی؛ جز تو و فلان شخص قصاب کسی دوست با اخلاص من نیست. حال اگر می - خواهی صورت واقعه برایت روشن شود، برو مخلصین مرا کهمی - شناسی، در شب جمعه به منزلت دعوت کن و در صحن حیاط، مجلسی آماده ساز؛ آن قصاب را هم بگو بیاید و دو بزغاله هم روی بام خانه ات ببند؛ آنگاه منتظر ورود من باش تا حاضر شوم و واقع امر را به تو بفهمانم. چون فرمایشات حضرت به پایان رسید، امام از نظر شیخغایب شدند .

شیخعلیحلاّویمسرور از این ماجرا با خوشحالی فراوان به حله برگشت؛ نزد قصاب رفت و قضیه را با او در میان گذاشت. آن دو با کمکیکدیگر چهل نفر را از بین هزار نفریکهآن ها را از ابرار و منتظرانحقیقی حضرتمیپنداشتند انتخاب کردند و دعوت نمودند که در شب جمعه به منزل شیخبیابند تا به ملاقات امام عصر مشرف شوند.

شب جمعه موعود فرا رسید؛ مرد قصاب با آن چهل نفر برگزیده به خانه شیخعلیحلاّوی آمدند و در صحن حیاط نشستند؛ همه با

وضو رو به قبله در حال ذکر و صلوات و دعا در انتظار قدوم قائم منتظر<sup>(ع)</sup> لحظه شمار می‌کردند. شیخ‌علینیز طبق فرمان حضرت قبلاً دو بزغاله را روی پشت بام بسته بود و خود در صحن حیاط در حضور میهمانان تشریف فرمایمولا را انتظار میکشید. پاسی از شب که گذشت، ناگهان همگیدیدند نور با عظمت و درخشانی که به مراتب از خورشید درخشنده تر بود، در آسمان ظاهر شد و همه جا را روشن کرد؛ سپس آن نور به طرف خانه شیخ‌علی آمد تا آنکه بر پشت بام منزل قرار گرفت .

دقایق پیش نگذشت که صدای باز پشت بام، آن مرد قصاب را فرا خواند. مرد قصاب امتثال امر کرده برخواست و روی بام رفت و به خدمت حضرت شرفیاب شد. امام به او فرمودند: یکی از این دو بزغاله را نزدیک ناودان ذبح کن، به طوریکه تمام خونس از ناودان سرازیر و در صحن خانه جاری شود، مرد قصاب فرمان امام را اطاعت کرد. وقتی خون در حیاط جاری شد آن چهل نفر گمان کردند حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> مرد قصاب را گردن زده و این خون اوست که از ناودان میریزد. پس از اندکی صدایی از پشت بام به گوش

رسید و شیخعلیحلاوی را احضار فرمود. شیخ برخاست و خود را به روی بام رساند، دید مرد قصاب صحیح و سالم روی بام در محضر امام ایستاده، اما یکی از دو بزغاله را سر بریده و خون بزغاله بوده که در صحن حیاط جاری شده است در این هنگام قصاب به امر حضرت بزغاله دوم را نیز نزد یکنوادان سر برید و بار دوم خون از نوادان به میان حیاط سرازیر شد.

وقتی آن چهل نفر دوباره خون تازه‌های را در صحن منزل جاریدیدند، گمانشان تبدیل به یقین شد و همگی قطع پیدا کردند که حجت بن الحسن<sup>(ارواحنافداه)</sup>، مرد قصاب و شیخعلیحلاوی را گردن زده و زود است که نوبت یکی‌کآن هافراسد و ملاقات با امام زمان<sup>(ع)</sup> به قیمت جان‌شان تمام شود. از این رو بی درنگ از جا برخاستند و از منزل شیخعلیحلاوی گریختند.

حضرت اینجا رو به شیخعلی کرده فرمودند: اینک به حیاط برو و به آنان بگو که به پشت بام بیایند و با من دیدار کنند. شیخعلی به



صحن حیاطکهرسید، حتییک نفر از آن چهل نفر برگزیده را ندید و دانست که همه فرار کردهاند .

به سرعت به پشت بام برگشت و گریختن آن چهل نفر را به عرض حضرت رسانید. حضرت فرمودند: ایشیخدیگر آن همه با من گله نکن. این شهر حلّه بود کهمیگفتیبیش از هزار نفر از یاران و مخلصان ما فقط در این شهر هستند؛

پس چه شد کهببین آن دوستان انتخاب شده کسی جز تو و این مرد قصاب باقی نمانده است؟! اینکسایر جاها را نیز به همین گونه قیاسکن. این جمله را فرمود و از نظر آن دو ناپدید گشت. پس از این ماجرا شیخعلیحلاوی منزلش را به صورت بقعه - ای مرمت کرد و به «مقام صاحب الزمان» موسوم نمود. از آن زمان تا کنون آن مقام شریف، زیارتگاه عام و خاص است<sup>۱</sup>

## تعهد با امام زمان (عج)

---

۱- العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان(ع)، علی اکبر نهاوندی، ج ۲ ص ۷۷-۷۸

اول وقت نماز بود، صدای اذان از رادیو ماشین به گوش میرسید جوانی که پهلوی من نشسته بود بلند شد و به طرف راننده رفت و به او گفت: آقای راننده نگه دار! می خواهم نماز بخوانم!

راننده با بیخیالی گفت: برو بابا حالا کی نماز میخونه! بعدش هم توجهی به این مطلب نکرد.

ولی با اصرار و خواهش جوان راننده کنار جاده نگه داشت. و جوان هم پیاده شد و و نمازش را با آرامش و طمئین خواند! من هم بهطفیل او نماز خواندم. پس از این که کنارم نشست و ماشین حرکت کرد از او پرسیدم چه چیزی باعث شده که نمازتان را اول وقت بخوانید؟ (چون آن روزها دوران طاغوت بود و حکومت ستم شاهی خاندان پهلوی بود و اکثر جوانان در بیراههها و انحرافات و فساد و فحشاء غوطهور بودند و برای من شگفت انگیز و تعجبآور بود که چنین جوانی اول وقت نمازش را بخواند و اینقدر به مسئله دین اهمیت بدهد)، گفت: من با امام زمان عهد بسته ام که نمازم را اول وقت بخوانم! تعجب من

بیشتر شد و گفتم: چگونه و به خاطر چه چیزی تعهد دارید؟ (و از همه مهمتر ملاقات با امام زمان که آرزوی همه شیفتگان و دلدادگاناوست برای وی چگونه میسر شده است؟)

گفت: من قضیه و داستانی دارم که برایت بازگو می کنم، من در یکی از کشورهای اروپایی بودم و مشغول تحصیل بودم. چند سالی بود که آنجا بودم محل سکونتم در یک بخش کوچک بود و تا شهری که دانشگاه در آن بود فاصله زیادی داشت که اکثر این اوقات من با ماشین این مسیر را طی میکردم، ضمناً در این بخش یک اتوبوس بیشتر نبود که مسافران را به شهر میبرد و برمینگشت. برای فارغ التحصیلشدنم باید آخرین امتحانم را میدادم. پس از سالها رنج و سختی و تحمل غربت، خلاصه روز موعود فرا رسید.

درسهایم را خوب خوانده بودم و آماده بودم برای آخرین امتحان که امتحان سرنوشت ساز و مهمی بود.

سوار اتوبوس شدم و پس از چند دقیقه اتوبوس راه افتاد، اتوبوس  
پر از مسافرانی بود که به شهر می رفتند. من هم کتابم را باز  
کردم و مشغول درس خواندن شدم. نیمی از راه را آمده بودیم  
که یکباره اتوبوس خاموش شد، راننده پایین رفت و کاپوت ماشین  
را بالا زد، ماشین روشن نشد. دوباره و چند بار همین کار را کرد  
ولی فایده نداشت. مسافران کنار جاده نشسته بودند و بچه-  
هایشان بازی میکردند. من هم دلم برای وقت امتحان جوش می  
زد و ناراحت بودم، چون وقت زیادی به امتحان نمانده بود. وسیله  
نقلیه دیگری هم از جاده عبور نمیکرد که با آن بروم. نمی-  
دانستم چکار کنم، در اضطراب و ناامیدی به سر میبردم. تا شهر  
هم فاصله زیادی بود که نمیتوانستم پیاده بروم، با خود فکر می -  
کردم تلاش های چند سالهام از بین میرود و خیلی نگران و  
ناراحت بودم. یکباره جرقه‌های در ذهنم زد که وقتی ما در ایران  
بودیم در دعای ندبه متوسل به امام زمان میشدیم و وقتی کارها  
به بن بست میرسید از او کمک و یاری میخواستیم این بود که  
دلم شکست و اشکم جاری شد. گفتم یا بقیه الله اگر امروز کمکم

کنی و کارم را درست نمائی و من به امتحان برسم قول میدهم  
و تعهد مینمایم که تا آخر عمرم نمازم را همیشه اول وقت  
بخوانم .

پس از چند دقیقه‌های یک آقایی از آن دورها آمد و به راننده رو  
کرد و گفت: چی شده؟ (با زبان خود آن‌ها صحبت می‌کرد).  
راننده گفت: نمی‌دانم هرکاری میکنم روشن نمی‌شود. آن آقا  
جلو رفت و قدری ماشین را دستکاری کرد و گفت: استارت بزن!  
راننده چند تا استارت زد و ماشین روشن شد و من برق امید در  
دلم زد و امید وار شدم و مسافرین سوار شدند. همین که اتوبوس  
میخواست حرکت کند دیدم همان آقا بالا آمد و من را به اسم  
صدا زد و گفت: تعهدی که به ما دادی یادت نره، نماز اول وقت!!  
فهمیدم که حضرت بقیه الله امام عصر عنایت فرموده و من اشک  
حسرت ریختم که چقدر در غفلت بودم . این بود سرگذشت نماز  
اول وقت من.<sup>۱</sup>

---

۱- نماز اول وقت ، محمد حسین رجائی خراسانی ، ص ۵۱ با اندک تلخیص توسط نگارنده.

## ماجرای عجیب قاسم بن علاء و نامه امام زمان

شیخ مفید از ابی عبدالله صفوانی نقل می کند: جناب قاسم بن علاء صد و هفتاد سال عمر کرد که هشتاد سال آن را صحیح و سالم گذراند. او امام هادی و امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup> را زیارت کرده بود و حضرت بقیه الله وی را امین و مورد اعتماد خود می دانست. این مرد بزرگوار در سن هشتاد سالگی چشمهایش را از دست داد و نابینا شد. ایشان در شهر وان<sup>۱</sup> سکونت داشت و توفیقات و ناممهوری که آقا صاحب الزمان به واسطه حضرت ابو جعفر عمروی (نائب دوم) و بعد از او حضرت ابی القاسم حسین بن روح ارسال میکردند دریافت میکرد و طوری بود که هیچ وقت در این امر وقفه ای نمیافتاد. اما این اواخر نزدیک دو ماه توفیقات از او قطع گردید و همین باعث شد ایشان نگران شود و در اضطراب به سر برد. روزی در محضرش نشسته بودیم که ناگاه دربان او آمد و با شادی و خوشحالی مژده رسیدن پیک عراق را به ایشان داد ولی نام کسی را ذکر نکرد. قاسم به شکرانه

---

۱ - وان از شهرهای ترکیه که در گذشته جزو سرزمینهای ایران بوده است.

این بشارت به درگاه الهی سجده نمود. ناگاه دیدیم مردی کوتاه قامت که آثار سفر در او ظاهر است آمد و از در وارد شد. قاسم جهت احترام او از جا برخاست و درآغوشش گرفت و با او معانقه نمود. سپس قاصد نامهای از خورجینش بیرون آورد و به قاسم داد. ایشان بلند شد و نامه را گرفت و بوسید و به منشی خود عبدالله بن ابی سلمه داد که برایش بخواند. منشی نامه را گشود و اول خودش قرائت کرد ولی دیدم گریه میکند. قاسم پرسید ای عبدالله! انشاءالله خیر است چرا گریه میکنی؟ مگر مولای من چه نوشتهاند که ناراحت شدهای و گریه می کنی؟ گفت خبر وفات شما را مرقوم فرموده اند که چهل روز پس از رسیدن نامه وفات خواهید نمود، به این صورت که روز هفتم مریض میشوید و خداوند هفت روز قبل از وفاتان چشمهایتان را شفا میدهد و بینا میشوید و این قاصد هم برای این آمده است که کفنتان را به شما برساند. قاسم وقتی این مطلب را شنید از قاصد پرسید: آیا این مردن با سلامتی در دین واقع میشود؟ و من در هنگام مرگ با همان اعتقادات صحیح از دنیا می روم؟ قاصد گفت: بلی.

قاسم مسرور شد و خندید و گفت: بعد از این عمری که کرده ام دیگر آرزوی زندگانی بیش از این را ندارم. ناگاه در این هنگام عبدالرحمن بن محمد شیری که از ناسبیهها بود و با قاسم در ظاهر اظهار دوستی و صداقت مینمود داخل گردید. وقتی قاسم او را دید گفت: این نامه را برایش بخوانید که من دوست دارم او هدایت شود. حضار گفتند: با این مردی که جماعتی شیعه توان مناظره با او را ندارند چگونه عبدالله میتواند بحث کند؟ قاسم نامه را بیرون آورد و به عبدالرحمن داد و گفت این را بخوان. عبدالرحمن نامه را گرفت و شروع به خواندن کرد تا رسید به جایی که خبر از وفات داده بودند همین که این مطلب را خواند متوجه قاسم شد و گفت: یا ابا محمد از خدا بترس! تو مرد فاضلی در دین خود هستی، این حرفها چیست که میزنی؟ خدا میفرماید: «و ما تدری نفس ما ذاتکسبغدا و ما تدریبای ارض تموت»<sup>۱</sup> (کسی نمی داند فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند در کدام زمین خواهد مرد). و باز میفرماید: «عالم الغیب لا یظهر علی

---

۱- سوره لقمان / ۳۶



غیباحد<sup>۱</sup> خدا غیب را میدانند و برغیب خود هیچ کس را مطلع نمیکند.» قاسم گفت: تمام آیه را بخوان در آخر آیه بعد از این کلام میفرماید: «الا من ارتضى من رسول»<sup>۲</sup> مگر آن رسول و فرستاده‌های که از او خشنود باشد. و مولای من از آن افراد است. اگر این سخن را باور نمیکنی تاریخ امروز را یادداشت کن تا صدق آن برایت معلوم شود. یعنی اگر من از این روز یا بعد از آن روز مردم بدان که بر اعتقادات فاسد و باطل بودهام و اگر در همان روز مردم تو در عقاید خود تأمل کن و آخرت خود را ببین. عبدالرحمن وقتی این گفته قاسم را شنید تاریخ آن روز را ضبط کرد و اهل مجلس متفرق شدند.

روز هفتم قاسم مریض شد و تب کرد و ناخوشی او روز به روز شدت گرفت تا این که روزی نزد بالینش نشسته بودیم ناگاه از چشم او آبی جاری شد و چشمانش بی‌نا شد. او چشمانش را گشود و پسر خود را دید و گفت: یا حسین بیا یا فلان بیا. ما به

---

۱- سوره جن / ۲۶

۲- سوره جن / ۲۷

چشمانش نگاه میکردیم و میدیدیم حدقه‌هایش صحیح و بی -  
عیب اند. به زودی این خبر در میان مردم پخش شد. جماعت  
زیادی از اهل سنت به دیدار او آمدند و وقتی دیدگانش را سالم و  
صحیح میدیدند تعجب مینمودند.

خبر به عقبه بن عبدالله مسعودی، قاضی القضاة بغداد رسید او  
هم سوار بر مرکب شد و به دیدن قاسم آمد و بر ایشان داخل  
شد، انگشتر خود را بر دست گرفت و گفت: یا ابا محمد این شیء  
که در دست دارم چیست؟ قاسم فرمود انگشتر فیروزه. قاضی آن  
را نزد قاسم برد، ایشان انگشتر را ملاحظه کرد و گفت: سه سطر  
بر آن نوشته شده که نمیتوانم آن ها را بخوانم. ناگاه در این اثنا  
چشم قاسم به پسر خود حسن افتاد که در وسط حیاط خانه بود  
متوجه او شد و گفت: (اللهم، الهما لحسن طاعتک و ذبه عن معصیتک)  
خداوندا اطاعت خود را به حسن الهام فرما و از معصیت حفظش  
کن.

روز چهارم ورود نامه رسید، قاسم در آن روز مقارن طلوع فجر و  
اذان صبح داعی حق را لبیک گفت و وفات نمود. وقتی این خبر

به گوش عبدالرحمن رسید، با سر و پای برهنه و حسرت زده دوید و در میان بازارها ناله اش را بلند کرد. مردم که این حالت را از او دیدند تعجب کردند و این موضوع را از او خیلی غریب و بزرگ شمردند و او را ملامت نمودند. عبدالرحمن بر ایشان نعره زد و فریاد کشید و گفت: ساکت باشید! آن چیزی را که من دیده‌ام شما ندیده‌اید و دیگر از اعتقادات باطل خود دست برداشت و از شیعیان خالص گردید. بعد از چند روز از وفات قاسم، توقیعی از ناحیه مقدسه به پسرش حسن رسید که حضرت صاحب الزمان در آن مرقوم فرموده بودند: (الهمک الله طاعته و جنبکم عصیته و هذا الدعاء الذی دعی به ابوک)، خداوند اطاعت خودش را به تو الهام فرماید و از گناهان حفظ کند و این همان دعائی است که پدرت در حق تو نمود<sup>۱</sup>.

## نکته های آموزنده این حکایت

---

۱- العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان (عج) ص ۴۰۵، با اندکی تلخیص توسط نگارنده.

در این حکایت نکته‌های درس آموزی وجود دارد که جهت رعایت اختصار، چند نکته را ذکر می‌کنیم:

نکته اول: دغدغه همیشگی بزرگان عاقبت به خیری بوده است.

نکته دوم: دوستی با اولیای خدا موجب سعادت انسان است.

همنشین از تو به باید                      تا تو را عقل و دین بفزاید

نکته سوم: دعا کردن برای فرزندان، دعای والدین در حق فرزندان زود مستجاب می‌شود.

نکته چهارم: ائمه اطهار از احوال ما با خبرند، طبق آیات و روایات اعمال ما به حضرت امام زمان عرضه میشود و امام عصر از اعمال ما با خبر است.

نکته پنجم: باید برای هدایت انسانها کوشش و تلاش کرد.

**دلداری امام عصر (عج) به یکی از دوستان**

ابراهیم بن محمد نیشابوری می گوید: حاکم ستمگر نیشابور، به نام (عمرو بن عوف) تصمیم گرفت مرا (به جرم دوستی خاندان رسالت و تشیع) اعدام کند، هراسان شدم، بابتگانم وداع کردم و خود را به سامره، حضور امام حسن عسکری (ع) رساندم، و در آنجا قصد فرار و مخفی کردن خود داشتم، وقتی که به نزد آن حضرت، شرفیاب شدم،

دیدم پسری که چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشید، در آنجا نشسته بود، از نور جمالش آن چنان حیران و شیفته شدم که نزدیک بود جریان خودم را فراموش کنم، آن کودک نورانی به من فرمود: (ای ابراهیم! فرار نکن، خداوند شر آن حاکم را از سرتو، دفع می کند).<sup>۱</sup>

حیرت من زیاد تر شد، به امام حسن عسکری (ع) عرض کردم: (این آقا زاده کیست که از باطن من خبر داد؟) فرمود: هو ابنی و

---

۱- اثبات الرجعه فضل بن شاذان، مطابق نقل اثباه الهداه، ج ۷، ص ۳۵۶.

خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي: (این کودک پسر من، و جانشین من،  
بعد از من می باشد).

همان گونه که آن حضرت خبر داد، خداوند مرا شر (عمرو) حفظ کرد،  
زیرا معتمد عباسی، برادرش را فرستاد تا (عمرو بن عوف) را بکشد.

### چه کنیم ارتباطمان با امام زمان بیشتر شود؟

یکی از فضلا می گوید: به حضرت آیت الله بهجت نامه ای نوشتم  
از ایشان تقاضا کردم بیان بفرمایید: برای زیاد شدن محبت به  
حضرت حق و ولی عصر چه کنیم؟

در جواب فرمودند: (گناه نکنید و نماز اول وقت بخوانید).<sup>۱</sup> در  
رابطه با امام زمان هم معرفت ما به آن بزرگوار باید سطحی  
نباشد و هم این که شناخت و معرفت باید عمیق باشد.

دستور العملهایی جهت ارتباط بیشتر با امام زمان از ناحیه  
اولیای الهی بیان گردیده است که عبارتند از:

---

۱- برگگی از دفتر آفتاب، ص ۱۳۸، رضا باقی زاده.

۱. خواندن زیارت جامعه کبیره

۲. خواندن نماز امام زمان ماهی یک بار ( حداقل )

۳. خواندن زیارت آل یاسین ماهی یک بار ( حداقل )

۴. سلام دادن به امام هنگام خوابیدن و برخاستن از خواب.<sup>۱</sup>

اهل بیت چشمه محبت و بلکه دریای محبت هستند باید با آن  
ها بیشتر ارتباط برقرار کنیم و از دریای محبت بی پایان آنها  
بهره مند شویم انشاء الله.

یا رب ! چه چشمه ای است محبت که من از او

یک قطره آب نوش کردم و دریا گریستم<sup>۲</sup>

## راهکار نزدیک شدن و ارتباط با امامزمان چیست؟

---

۱- پاسخ ها و پرسش ها و شبهات، ج ۱، ص ۶۴، پژوهشکده تحقیقات اسلامی

۲- محمد علی کشمیری .

از آیت الله سید عبدالکریم کشمیری که از اولیاءالله بودند سوال کردند راهکار نزدیک شدن و ارتباط با امام زمان عجل الله چیست؟ ایشان فرمودند: هر روز یک ساعت با حضرت خلوت کنید (در جای خلوت) و زیارت آل یاسین را بخوانید یا صاحب الزمان اغثنی، یا صاحب الزمان ادرکنی، المستعان بک ملین الحسن را زیاد بگویید، توسل بکنید به حضرت، یک مقدار رفاقت پیدا میشود.<sup>۱</sup>

### شنیدن حاجات ما توسط امام زمان (عج)

آیت الله بهجت: بین دهان تا گوش شما کمتر از یک وجب است، قبل از این که حرف از دهان خودتان به گوش خودتان برسد، به گوش حضرت رسیده است. او نزدیک است درد و دل ها را میشنود. با او حرف بزنید و ارتباط برقرار کنید. در زمان

---

۱- شرح احوالات آیت الحق



امام هادی (علیه السلام) شخصی نامه‌های نوشت از یکی از شهرهای دور. نامه‌های نوشت که آقا من دور از شما هستم، گاهی حاجتی دارم، مشکلاتی دارم، به هر حال چه کنم؟ حضرت در جوابشان نوشتند: «ان کانت لکجا جَهْفَحَرَّ کَشَفْتیک»<sup>۱</sup>؛

یعنی لب‌ت را حرکت بده، حرف بزن، ما از شما دور نیستیم.

## ویژگی‌های گل

از جمله مخلوقات که جلوه‌های از زیبایی عالم طبیعت و نشانه‌های از هنرنمایی عجیب خداوند متعال می باشد، گل است.

در عصر غیبت و دوران انتظار، جذاب ترین، زیباترین، لطیفترین و خوش بوترین گل بوستان احمدی، بقیه الله الأعظم، طاووس اهل بهشت، مهدی آل محمد (ص) است. انبیاء، اولیاء و خوبان عالم، سر خم میکنند تا او را ببینند و از عطر دلانگیز معنوی او،

---

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۶، علامه مجلسی. - کتاب سال تبلیغ، آقا میری.

خود را معطر سازند، چرا که او بوی تمام انبیا و ائمه را با خود دارد، هر کس او را ببوید.

همه خوبهای عالم را بوییده است. او بوی گل محمدی و یاس فاطمی و گل سرخ حسینی ... را می دهد. برای همنشینی با او، باید گل بود. یعنی صفات و ویژگیهای گل را دارا شد. تا او مارا به خود جذب کند و ما هم در جاذبه‌ی محبتی و ولایتی او قرار گیریم.

نوریان، مر نوریان را طالبند

ناریان، مر ناریان را جاذبند

چرا که سنخیت از مهمترین عوامل ارتباط و جذّابیت است، لذا برای همنشینی، نزدیکی و ارتباط با امام عصر<sup>(عج)</sup> باید گل بود و زیبایی مکتب.

جهت عرض ادب و اظهار محبت و ارادت به ساحت مقدس او  
غزلی تقدیم می کنم.

گفتم به گل، چه زیباست رنگ و طراوت تو  
گفتا که من چه هستم در پیش روی مهدی

گفتم نکوتر از تو ، باشد به باغ جنت؟

گفتا که من کجا و یک تار موی مهدی

گفتم که در طبیعت، مانند تو ندیدم

گفتا به چشم دل بین، نام نکوی مهدی

گفتم معطر از تو روی زمین نباشد

گفتا به آسمانها، پیچیده بوی مهدی

گفتم فتد نگاهم، پیوسته بر جمالت

گفتا چه خوش نگاهی، باشد به سوی مهدی

گفتم که غنچه‌ی تو، همواره می درخشد

گفتا خوش آن لبانِ تکبیر گوی مهدی

گفتم که در قیامت دست که را بگیرند

گفتا کسی که باشد محبّ کوی مهدی<sup>۱</sup>

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

در زمان حکومت حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> به قدری خداوند خیر و برکت

به اهل زمین عنایت میکند که زندگان آرزوی زنده شدن

مردگان را میکنند.<sup>۲</sup>

در دعای عدیله در مفاتیح می خوانیم:

«به برکت او خلق از نعمتهای خدا بهره‌مند میشوند و به برکت

وجود مقدس او زمین و آسمان پا برجا مانده است.»

---

۱- ویژگی‌های گل، مهدی قاسمی منفرد.

۲- عقد الدرر، ص ۴۴.

من که باشم که بر آن خاطر عاطر<sup>۱</sup> گذرم.  
لطفها میکنی، ای خاک درت، تاج سرم!

«اللهم عجل لوليکالفرج»

## سوالات مهدویت

۱) این حدیث از کیست؟ «مهدی (عج) مردی است از نسل من،  
صورتش مانند ستاره درخشان است؟

الف) امام حسین (ع)      ب) رسول خدا (ص)

ج) امام کاظم (ع)      د) امام رضا (ع)

۲) تصویب امور سال در حال حاضر در شبهای قدر توسط کدام  
امام انجام می شود؟

الف) امام زمان (عج)      ب) امام جواد (ع)

---

۱- عطرآگین، خوشبو و معطر.

ج) امام علی<sup>(ع)</sup>      د) امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup>

۳) این حدیث از کیست امام پدری دلسوز و مهربان است.

الف) امام حسن<sup>(ع)</sup>      ب) امام باقر<sup>(ع)</sup>

ج) امام هادی<sup>(ع)</sup>      د) امام رضا<sup>(ع)</sup>

۴) این حدیث از کدام امام است: «هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر قائم باشد مانند کسی است که همراه قائم<sup>(عج)</sup> در خیمه او باشد.»

الف) امام صادق<sup>(ع)</sup>      ب) امام سجاد<sup>(ع)</sup>

ج) امام زمان<sup>(عج)</sup>      د) هیچکدام

۵) امام زمان (عج) به کدام نایبش فرمود در این شش روز وفات خواهی کرد، آماده باش و به هیچ کس وصیت نیابت نکن.

الف) نایب اول      ب) نایب دوم

ج) نایب سوم      د) نایب چهارم

۶) طبق فرمایش علامه طباطبایی در جواب سوال شاگردش چرا امام زمان را نمیبینیم؟

الف) قرار نیست امام را ببینیم

ب) دیدن امام زمان (عج) محال است.

ج) با گناهان و نافرمانی ها نمیشود امام را دید

د) هیچکدام

۷) رمز ملاقات آقا سید عبدالکریم کفاش با امام زمان (عج) چه بود؟

الف) انصاف سید و علاقه شدید او به حضرت

ب) نماز و روزه

ج) انجام مستحباتش

د) انجام ندادن مکروهات

۸) طبق کدام آیه قرآن کریم امام زمان (عج) ناظر اعمال ماست؟

الف) آیه اول سوره بقره ب) آیه اول سوره کوثر

ج) آیه سوم سوره نصر د) آیه ۱۰۵ سوره توبه

۹) بزرگترین چیزی که مانع یا سبب قطع ارتباط با امام زمان (عج) می‌گردد و عنایت آنان را از ما سلب می‌کند ..... است.

الف) گناه. ب) نماز نخواندن.

ج) انجام مکروهات. د) قرآن نخواندن

۱۰) در بخش دوم کتاب «زیباترین ستاره» چند تا وظیفه ما نسبت به امام زمان (عج) بیان شده است؟

الف) پنج ب) هفت ج) ده د) شش

## منابع (برخی از منابع)

۱. قرآن کریم.



۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، چاپ بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴.
۳. الکافی، شیخ کلینی، قم، نشر دار الحدیث، ۱۳۶۵.
۴. برکات حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup>، شیخ علی اکبر نهاوندی، خلاصه العبقری بالحسان، نشر منتظران ظهور.
۵. مکیاللمکارم فی فوائد الدعاء للقائم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، چاپ سوم، قم، نشر کامکار، ۱۳۶۳.
۶. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، چاپ دوم، تهران، نشر جمال، ۱۳۸۴.
۷. تجرید الاعتقاد، خواجه نصیر طوسی، تهران، نشر مکتب الاعلام اسلامی.
۸. احتجاج طبرسی، احمد، مترجم، بهراد جعفری، تهران، دارالکتب اسلامی.
۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ابوعلی فضل، تهران، نشر فرهانی.
۱۰. وسائل الشیعه، حر عاملی، چاپ دوم، نشر موسسه آلالبیت<sup>(ع)</sup>

۱۱. نجم الثاقب، نوری، میرزا حسین، چاپ دوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۲. کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
۱۳. غیبت نعمانی، نعمانی، ابراهیم، ابوعبدالله، نشر مکتب الصدوق، ۱۳۹۷.
۱۴. پاسخها به پرسشها و شبهات، گروهی از محققان، انتشارات زمزم هدایت، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۵. غایة المرام، بیهقی سبزواری، حسن، چاپ الحجر.
۱۶. روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ترجمه مهدوی دامغانی، قم، نشر نی، ۱۳۹۱.
۱۷. خزینة الجواهر فی زینة المنابر، چاپ اول، قم، انتشارات سید جمال الدین اسد آبادی، ۱۳۹۱.
۱۸. شیفتگان حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> احمد قاضی، زاهدی، نشر حاذق، ۱۳۷۵.

۱۹. منتخب الاثر فی الامامالثانی عشر، صافی گلپایگانی، چاپ

پنجم.

۲۰. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران پژوهشکده باقر العلوم<sup>(ع)</sup>،

چاپ سوم، ۱۳۸۵.

۲۱. قصص العلماء، محمد بن سلیمان، تنکابنی، ۱۴۰۰.

۲۲. من ادواردو نیستم، گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، چاپ

سوم، ۱۳۹۹.

۲۳. بهشت جوانان، محمدی نیا، اسدالله، (سبط اکبر) چاپ بیست

و چهارم، ۱۳۸۵.

۲۴. برگی از دفتر آفتاب، باقی زاده رضا، چاپ اول، نشر میراث

ماندگار.

۲۵. ارتباط معنوی با حضرت مهدی<sup>(عج)</sup>، گنجی حسین، انتشارات

مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۱.

۲۶. نماز اول وقت، رجائی خراسانی محمد حسین، نشر رستگار،

۱۳۸۹.

۲۷. کشف المحجبه، سيد بن طاووس، نشر مرتضوی، چاپ اول  
۱۳۸.
۲۸. داستانهای شگفت، دستغیبسید عبدالحسین، چاپ یازدهم،  
دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۹. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ ۲۱، تهران، انتشارات  
نبوغ، ۱۳۸۶.
۳۰. خاندان وحی، سید علی اکبر قرشی، چاپ اول، قم، دارالکتب  
اسلامیه.
۳۱. خصال شیخصدوق، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین  
حوزه علمیه قم.
۳۲. شناختنامه، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، چاپ اول،  
ناشر و سپان، ۱۳۸۷.
۳۳. نشان از بینشانها، علی مقدادی اصفهانی، نشر جمهوری  
اسلامی(اسدی)، چاپ یازدهم، ۱۳۸.
- آثاری که تا کنون از نویسنده منتشر شده است.

- پندهای ماندگار، جلد ۱، انتشارات هادی تبریز
- پندهای ماندگار، جلد ۲، انتشارات هادی تبریز
- نماز انس با خدا، انتشارات هادی تبریز
- قصه های ماندگار از خوبان روزگار، انتشارات نسیم حیات قم
- نفایس و لطایف، انتشارات نسیم حیات قم
- ۳۱۳ نکته گهربار، انتشارات مائده تبریز
- یکصد و ده نکته ارزشمند، انتشارات عاصم تبریز
- گنجینه سخن، انتشارات عاصم تبریز
- ارمغان سعادت، انتشارات عاصم تبریز
- غدیر پیام آسمانی، انتشارات عاصم تبریز
- داستان های دلانگیز، انتشارات عاصم تبریز
- بیست و یک مقاله در موضوعات مذهبی، اجتماعی و ...

طبق احادیث فراوانی که در موضوع امامت وارد شده و بر اساس دلائلی که دانشمندان ارائه کرده‌اند، در بینش اسلامی امام، **جان جهان** است و جهان به وجود او بستگی دارد.

امام قلب عالم وجود، هسته مرکزی جهان هستی و «واسطه فیض» بین عالم و آفریدگار عالم است و از این جهت حضور و غیاب او تفاوتی ندارد.

این شش سطر اخیر پشت جلد کتاب درج گردد